

NASIM



نسیم دانشجویی

مناظره فرهنگی | اعتقادی | اجتماعی
سال دوم . شماره ۶ . آذر ۱۳۹۲

دعای امام سجاد هنگام یاد مرگ

مختصر حالات امام سجاد

امروز همان فرداست!


شیخ مفید

شهید مدرس مردی که مثل هیچکس نبود

نسبت طلایی / عدد طلایی ϕ

کمر درد نمی کشد، شکنجه می کند

منابع آینده انرژی



ای دوست مرا میان غمها مگذار لطفی کن و بر روی دلم پا مگذار
عمریست تمام خواهش من این است یک لحظه مرا به حال خود وا مگذار

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا

دبی / صندوق پستی ۲۳۰۶۴
تلفن ۰۴-۳۴۴۲۸۸۶
فکس ۰۴-۳۴۹۷۳۶۷

نسیم دانشجویی
ماهنامه فرهنگی | اعتقادی | اجتماعی
سال دوم . شماره ۶ . آذر ۱۳۹۲

نسیم دانشجویی از آثار خوانندگان گرامی استقبال می کند.

info@3rdimam.com

- ۴ ◉ ماجرای دیدار امام رضا(ع) با حضرت عبد العظیم حسنی
- ۵ ◉ دعای امام سجاد هنگام یاد مرگ
- ۶ ◉ مختصر حالات امام سجاد
- ۸ ◉ ابو خالد کابلی
- ۱۰ ◉ امروز همان فرداست!
- ۱۳ ◉ شوق دیدار
- ۱۴ ◉ شیخ مفید
- ۱۸ ◉ شهید مدرس مردی که مثل هیچکس نبود
- ۲۰ ◉ اخبار مسجد
- ۲۴ ◉ نسبت طلایی / عدد طلایی ϕ
- ۲۶ ◉ پژوهش
- ۳۰ ◉ گوشه‌هایی از تاریخ
- ۳۱ ◉ خواص میوه‌ها
- ۳۲ ◉ کمر درد نمی کشد، شکنجه می کند
- ۳۴ ◉ منابع آینده انرژی
- ۳۵ ◉ زیست فناوری
- ۳۶ ◉ طنز
- ۳۷ ◉ معرفی کتاب
- ۳۹ ◉ شعر
- ۴۰ ◉ زن کامل کیست؟
- ۴۲ ◉ روش‌های تزئین هندوانه شب یلدا

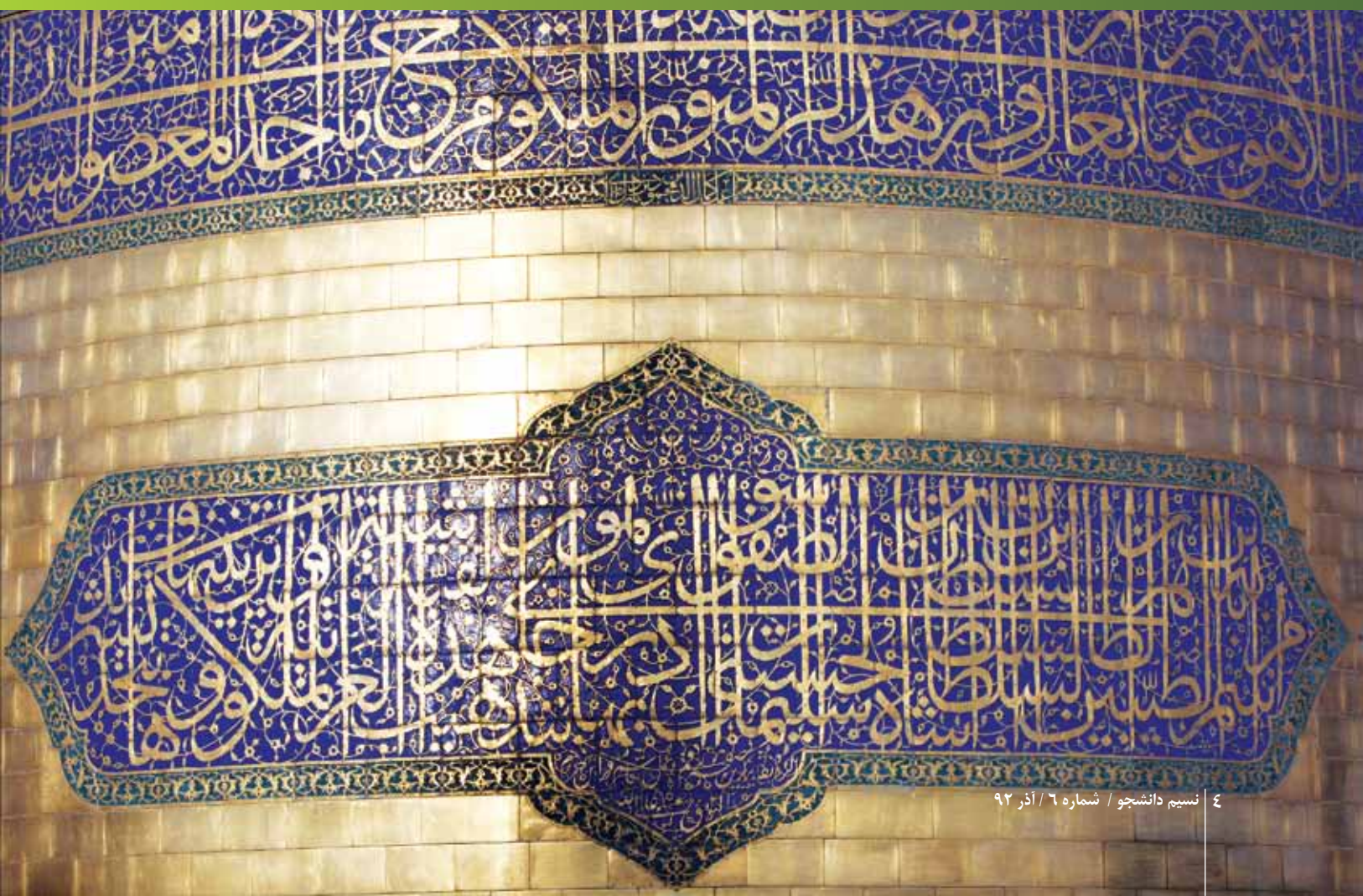


سلام مرا به دوستانم برسان

حضرت عبدالعظیم (ع) که هم اکنون در شهر ری ایران مدفون هستند روایت می‌کند، مولایم امام رضا (ع)، برای من پیام فرستاد و فرمود: سلام مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو، راهی را برای نفوذ و تسلط شیطان بر خود باز نگذارند، آنان را به راست‌گویی در سخن و ادای امانت و ادا کن و همچنین به آنان دستور بده، در مسایل پوچ و بی‌پهوده بحث و جدال را ترک نموده و سکوت اختیار کنند و باز به آنان دستور بده، به سوی هم روی آورند، با هم معاشرت کنند و به دیدار یک‌دیگر رفته، ارتباط برقرار نمایند؛ زیرا این عمل موجب تقرب و محبوبیت نزد من می‌گردد!

ای عبدالعظیم! دوستان و یاران من نباید، وقت خود را صرف مخالفت و سرکوبی هم‌دیگر نمایند. من با خود عهد کرده‌ام، هر کس مرتکب این‌گونه اعمال مخرب و هستی‌سوز شود، و حتی یکی از دوستان مرا مورد خشم و ناراحتی قرار دهد، از خدا بخواهم، او را در دنیا گرفتار سخت‌ترین عذاب‌ها کند و در آخرت نیز از زیانکاران باشد!

این مطلب را هم، برای آنان توضیح بده که، خداوند نیکوکاران آنها را آمرزیده و از بدکاران آنها هم در گذشته است، مگر کسانی که شرک آورده یا موجب تجاوز و اذیت به یکی از اولیاء و دوستان من شده، یا عداوت و کینه آنان را در دل داشته باشند؛ زیرا چنین گناهی را پروردگار نمی‌آمرزد، مگر این که از کار زشت خود بازگشت واقعی نمایند و آن را جبران کنند، و گرنه روح ایمان از قلب آنان می‌رود و از دایره ولایت ما خارج می‌شود و از آن بهره‌ای نخواهد برد، و بدان که من، از آثار شوم چنین گناهان و لغزش‌های خطرناکی به خدا پناه می‌برم!



دعای امام سجاده هنگام یاد مرگ

رسیدن به (رحمت) تو حرص داشته باشیم تا مرگ برای ما جای انس و آرامش باشد که به آن انس گیریم، و جای الفت و دوستی باشد که به سوی آن شوق داشته باشیم، و خویشاوند نزدیکی (مانند زن و فرزند) باشد که نزدیک شدن به او را دوست بداریم پس هرگاه آن را بر ما حاضر نمودی و به ما واقع ساختی ما را به آن نیکبخت گردان در حالی که زیارت و دیدار کننده (آمدنش از روی مهربانی) باشد، و ما را به آن انس ده در حالی که از راه رسد، و ما را به مهمانی آن بدبخت مکن، و از دیدارش خوار و رسوا و سر به زیر مفرم، و آن را دری از درهای آمرزش خود و کلیدی از کلیدهای (وسیله ای از وسیله ها) رحمت خویش گردان ما را بمیران هدایت شدگان (به راه حق) که گمراهان نباشیم، فرمانبران احکام و دستورها) که کراهت نداشته باشیم، توبه کنندگان که گناه نکنیم و اصرار و ایستادگی (بر آن) نوزیم، ای ضامن پاداش نیکوکاران (اشاره به قول خدای تعالی «سوره ۹ آیه ۱۲۰»: «ان الله لا یضیع اجر المحسنین یعنی خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی گرداند) و ای اصلاح کننده کردار تباهکاران (ای خواهان صلاح کردار تباهکاران به این که فساد و تباهکاری را به صلاح و درستی تبدیل کنند، این جمله با قول خدای تعالی: ان الله لا یصلح عمل المفسدین» سوره ۱۰، آیه ۸۱ «خدا کردار تباهکاران را اصلاح نمی کند» منافات ندارد، زیرا مراد از آیه این است که خدا کردار کسی را که می خواهد در دین فساد نماید تباه می گرداند تا حق از باطل و نادرستی آشکار گردد.

بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، و ما را از آرزوی دراز بازدار (چون آرزوی دراز آخرت را از یاد می برد و بر اثر آن انسان بدبخت می گردد، در نهج البلاغه است حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده: ایها الناس ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان: اتباع الهوی و طول الامل، فاما اتباع الهوی فیصد عن الحق، و اما طول الامل فینسی الآخرة یعنی ای مردم ترسناکترین چیزی که از ابتلای شما به آن می ترسم دو چیز است: اول پیروی از هوای نفس، دوم آرزوی بی شمار، اما پیروی از هوای نفس شخص را از راه حق بازمی دارد، و آرزوی بی حساب آخرت را از یاد می برد) و با کردار راست و درست (به طوری که واجب است) آرزو را از ما دور گردان تا این که تمام کردن ساعتی را پس از ساعتی و دریافتن روزی را پس از روزی و پیوستگی نفسی را به نفسی و در پی آمدن گامی را در پی گامی آرزو نکنیم و ما را از فریب آرزو سلامت و بی گزند و از بدی هایش ایمن فرما، و مرگ را در جلو ما برپا دار (آنی آن را از یاد ما مبر) و یاد کردن ما آن را روزی پس از روزی (یا روزی پس از روزهایی) قرار مده (ما را توفیق ده تا همیشه به یاد آن باشیم، و روزی آن را از یاد مبریم که مستلزم کوتاهی آرزو و کوشش در عبادت و بندگی و چشم پوشی از دنیا و کالای آن و رو آوردن به آخرت است) و از اعمال شایسته عملی برای ما قرار ده (توفیق بجا آوردن عمل شایسته ای به ما عطا فرما) که با آن بازگشت به سوی (پاداش) تو را دیر شماریم (در انجام آن عمل بکوشیم) و بر زود

سوره الفاتحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مختصر حالات ششمین معصوم، چهارمین اختر امامت

آن حضرت روز جمعه یا پنجشنبه، ۱۵ جمادی الثانی یا ۲۳ شعبان، سال ۳۶ یا ۳۸ هجری، در شهر مدینه منوره تولد یافت.

نام: علیّ صلوات الله و سلامه علیه.

کنیه: ابوالحسن، ابومحمّد، ابوالقاسم و...

لقب: سجّاد، زین العابدین، زین الصّالحین، سیّد العابدین، سیّد السّاجدین، ذو الثّغفات، ابن الخیرتین، مجتهد، عابد، زاهد، خاشع، بکاء، امین و...

دریان: ابو خالد کابلی، ابو جبلة، یحیی بن امّ طویل.

پدر: امام ابو عبدالله الحسین، سیّد الشهداء علیه الصّلاة والسّلام.

مادر: معروف به شهربانو، شاهزاده ایرانی، دختر یزدگرد که آخرین پادشاه فارس بود می‌باشد؛ و در زمان عمّره به اسارت مسلمین در آمد و امام علیّ علیه السّلام از فروش او مانع شد و فرمود: او شریف زاده است، آزادش بگذارید تا از مسلمین هر که را بخواهد با او ازدواج نماید و مهریه‌اش از بیت المال پرداخت شود.

وی پس با انتخاب خود، امام حسین علیه السّلام را برای همسری خویش برگزید پس از ازدواج با او، امام سجّاد علیه السّلام از ایشان تولد یافت.

حضرت در صحرا و صحنه کربلاء حضور داشت و مصائب سخت و دلخراشی را متحمل شد، که عمّر آن حضرت را در آن لحظات، بین ۲۲ تا ۲۴ سال گفته اند؛ و نسل شجره مبارکه بنی الزّهراء توسط امام سجّاد علیه السّلام تکثیر و منتشر گردید. آن حضرت پس از شهادت پدر بزرگوارش امام حسین علیه السّلام مبارزات گوناگونی علیه دستگاه حکومتی بنی امیه داشت و به شیوه‌های مختلفی در فرصت‌های مناسب، در هوشیاری بخشیدن جامعه نسبت به دستگاه ظالم لحظه‌ای سکوت و آرامش نداشت، از طریق سخنرانی، تشکیل جلسات دعا و مناجات، گریه و اظهار مظلومیت و تظلم و...

آن حضرت یکی از چهار نفر گریه کننده گان عالم به شمار آمده، که پس از جریان دلخراش کربلاء مرتب در هر فرصت مناسبی بر مظلومیت پدرش امام حسین علیه السّلام و یاران باوفایش می‌گریست، و جنایات دستگاه بنی امیه را افشاء می‌کرد.

مدّت عمر: آن حضرت مدّت دو سال و چند ماه در حیات جدّش امام امیرالمؤمنین علیه السّلام، و حدود دوازده سال در حیات عمویش امام مجتبی علیه السّلام، و ۲۳ یا ۲۴ سال نیز با پدرش، و حدود ۳۵ سال امامت و رهبریّت جامعه اسلامی را بر عهده داشت که جمعا عمر آن حضرت را حدود ۵۷ سال گفته‌اند.

مدّت امامت: آن حضرت روز دهم محرم الحرام، سال ۶۱ هجری پس از

شهادت پدر بزرگوارش، در سنین ۲۳ یا ۲۴ سالگی به منصب امامت و خلافت نایل آمد و تا ۱۲ یا ۲۵ محرم سال ۹۴ یا ۹۵، امامتش به طول انجامید که جمعا حدود ۳۵ سال امامت و رهبریّت را بر عهده داشته است.

شهادت: حضرت روز شنبه، دوازدهم یا بیست و پنجم محرم، سال ۹۴ یا ۹۵ هجری قمری، توسط هشام بن عبدالملک مروان به وسیله زهر، مسموم و به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

محل دفن: پیکر مطهّر و مقدّس آن بزرگوار در قبرستان بقیع کنار عمویش امام حسن مجتبی علیهما السّلام دفن گردید.

تعداد فرزندان: مرحوم سیّد محسن امین تعداد پانزده پسر و چهار دختر برای حضرتش نام برده است.

خلفای هم عصر آن حضرت: یزید بن معاویه بن ابی سفیان، فرزندش معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولید ابن عبدالملک.

ازدواج با چه خانواده‌ای

امام محمد باقر (ع) نقل می‌فرمایند در یکی از مسافرت‌هایی که پدرشان حضرت سجّاد به مکه معظمه داشتند با زنی را از خانواده بی بضاعت و گننام ازدواج کردند یکی از همراهان حضرت به محض اطلاع از این ازدواج با ناراحتی خدمت آن حضرت رسید و عرضه داشت یابن رسول الله من فدای شما گردم چرا دست به چنین ازدواجی زدیدی؟ چرا با زنی بی بضاعت از خانواده ای ازدواج کردید که شهرت و ثروتی ندارند؟

امام سجّاد صلوات الله علیه فرمود: من گمان می‌کردم که تو شخصی خوش فکر و نیک سیرت هستی، خداوند متعال به وسیله دین مبین اسلام تمام این افکار خرافی و بی محتوا را محکوم و باطل گردانده، و این نوع سرزنش‌ها و خیالات را ناپسند و زشت شمرده است.

آنچه در انتخاب همسر برای ازدواج و زندگی مهم است، ایمان و تقوا و پاکدامنی و قناعت می‌باشد، و آنچه که امروز مردم به آن می‌اندیشند، افکار جاهلیت است و ارزشی نخواهد شد.

بنابر این ملاک در شخصیت زن: ثروت، شهرت، مقام، تشکیلات

زندگی، زیبایی و... نیست؛ بلکه آنچه که به انسان ارزش می‌بخشد و او را قابل شراکت و هم زیستی می‌گرداند، ایمان به خدا و شعور انسانی و معنویت می‌باشد.

ابو خالد

راوی بزرگ فارسی زبان، ابو خالد کابلی

شهر کابل خطه جنت نظیر آب حیوان از لب تاکش بگیر
اقبال لاهوری

◦ زادگاه

زادگاه ابو خالد «کابل»، مرکز کشور افغانستان بود و بدین سبب کابلی شهرت یافت.

◦ تبار و تاریخ وفات

از تبار نیاکان ابو خالد کابلی و نیز تاریخ تولد و وفاتش اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی از روایات استفاده می شود که این شخصیت بزرگوار تا پایان عمر در محضر امام(ع) ماند و در مدینه به خاک سپرده شد.

◦ نام و لقب

در کتب رجالی، درباره نام و القاب وی، اختلاف بسیار به چشم می خورد؛ ولی آنچه قطعی می نماید، این است که نامش وردان بود، کنکر لقب داشت و از کنیه ابو خالد بهره می برد.

◦ اولین دیدار

داستان نخستین دیدار ابو خالد با امام چهارم جذاب و شنیدنی است. امام محمد باقر(ع) فرمود: وقتی کنکر کابلی به محضر علی بن الحسین(ع) وارد شد، امام فرمود: ای وردان!

کنکر گفت: نامم وردان نیست!

امام فرمود: مگر مادرت را راستگو نمی دانی؟ او یک روز پس از تولد تو را وردان نامید. وقتی پدرت آمد، نامت را کنکر نهاد.

ابو خالد از شنیدن حقایق پنهان زندگی اش شگفت زده شد، بی درنگ ایمان آورد و گفت: شهادت می دهم که خدایی جز ذات یکتای الله نیست، شریکی ندارد؛ گواهی می دهم که محمد(ص) بنده و فرستاده اوست و تو جانشین اوئی. آری، چنین است؛ این ماجرا را مادرم برایم تعریف کرد و جز او کسی از این داستان خبر ندارد.

◦ انگیزه هجرت

امام صادق(ع)، درباره انگیزه و هدف مهاجرت ابو خالد از کابل به مدینه، می فرماید:

ابو خالد به امامت محمد بن حنفیه اعتقاد داشت و با هدف دیدار امامش از کابل به سمت مدینه روان شد؛ ولی وقتی محمد را دید که علی بن الحسین علیهم السلام را با عبارت «ای سرور من» مخاطب قرار می دهد، از او پرسید: «آیا فرزند برادرت را چنان خطاب می کنی که دیگران را شایسته آن مقام و منزلت نمی دانی؟!»

اشاره

کابل دیاری است آشنا، شهری است دردمند و مجروح، خطه ای است سرسبز و خرم که در قلب کوه های هندوکش، بابا و پامیر قرار گرفته است و سال هاست که در آتش نفاق و جنون تشنگان قدرت می سوزد. این شهر پرآوازه، که سابقه ای بس کهن در تاریخ دارد، در ریع اول قرن هجری، اسلام را، به عنوان آیین نجات بخش، در آغوش گرفت و قرن ها مرکز فرمانروایی مسلمانان باقی ماند.

پیشینه تشیع در این سرزمین را می توان از سالهای ۶۱ هجری به این سو جستجو کرد. در این دوره، جوانی از این دیار، با هدف دیدار امام زمانش، آهنگ مدینه کرد و به شاگردی سید ساجدان مفتخر شد. بعد از حادثه عاشورا، او در کنار دوستانش بر امامت معصومان اصرار ورزید، و نامش، به عنوان یک مؤمن مورد اعتماد، در کتب رجالی ثبت شد و بعدها «ابو خالد کابلی» شهرت یافت.

محمد حنفیه پاسخ داد: زیرا فرزند برادر امام حسین(ع) مرا در امر ولایت و امامت به «حجرالاسود» حواله داد! با گوش خود شنیدم که «سنگ سیاه» به سخن آمد و گفت: کار امامت و خلافت را به فرزند برادرت واگذار! او در این کار از تو سزاوارتر است!

در این هنگام، ابوخلد کابلی تشیع را پذیرفت و به امامت امامان معصوم: ایمان آورد.

○ مرحبا بک یا کنکر

در روایت دیگر، ابوبصیر شرح حال ابوخلد کابلی را، از امام صادق(ع)، چنین بیان می‌کند: ابوخلد سالها خدمت محمد حنفیه بود و در امر امامت و پیشوایی اش تردید داشت. روزی وی را به حرمت رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان(ع) سوگند داد گفت: محمد، امامی که پیروی از او واجب است، کیست؟ محمد حنفیه گفت: مرا به امری بزرگ سوگند دادی، امام راستین ما علی بن حسین(ع) است. بر تو و همه مسلمانان است که از وی اطاعت کنید. ابوخلد به دیدار امام شتافت. وقتی در خانه امام را کوفت، پرسیدند: کیست؟ ابوخلد گفت: اجازه ورود می‌خواهم.

امام فرمود: مرحبا بک یا کنکر؛ خوش آمدی ای کنکر، چه شد که به دیدار ما آمدی؟!

ابوخلد، پس از سلام با تمام وجود خم شد، سجده شکر به جای آورد و گفت: سپاس خداوند را که آنقدر به من فرصت داد تا امامم را شناختم. امام پرسید: چگونه امامت را شناختی؟ ابوخلد داستان سوگند دادن محمد حنفیه را بازگو کرد و گفت: اما! شما مرا به همان اسمی که مادرم بر من نهاد، خواندید و جز پدر و مادرم کسی مرا به این نام نمی‌شناسد. بی تردید تو امام و جانشین امامی.

○ شاگردان امام سجاد(ع)

شیخ طوسی رحمه الله یاران و شاگردان امام سجاد(ع) را ۱۷۲ تن ذکر کرده و ابوخلد کابلی را در شمار آنان جای داده است.

شیخ مفید تنها پنج تن از یاران امام سجاد را به ترتیب زیر ذکر کرده است: ابوخلد کابلی، یحیی بن ام طویل، محمد بن جبیر بن مطعم، سعید بن مسیب مخزومی و حکیم به جبیر.

فضل بن شاذان می‌گوید: یاران علی بن حسین، که به امامتش اعتقاد داشتند، بیش از پنج تن نبودند. نامه‌های این گروه عبارت است از: سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، محمد بن جبیر، یحیی بن ام طویل و ابوخلد کابلی که نامش وردان و لقبش کنکر است.

○ عظمت ابوخلد

امام صادق(ع) می‌فرماید: پس از حادثه خونین عاشورا، جز سه تن بیشتر مردم از دین دست برداشتند، این افراد عبارتند از:

۱. ابوخلد کابلی
۲. یحیی بن ام طویل
۳. جبیر بن مطعم

سپس مردم بتدریج به آنان پیوستند و به امامت معصومان اعتقاد پیدا کردند.

○ مقام ابوخلد

امام صادق(ع)، پیشوای ششم، می‌فرماید: سه تن از یاران مورد اعتماد امام سجاد(ع) شمرده می‌شدند: سعید بن مسیب، قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابوخلد کابلی.

○ منزلت ابوخلد در قیامت

امام کاظم(ع) فرمود: وقتی رستاخیز فرا رسد، کسی فریاد می‌زند: کجایند یاران و شاگردان محمد بن عبدالله(ع).

سلمان، ابوذر و مقداد برمی‌خیزند. آنگاه دیگر بار فریاد می‌زند: کجایند شاگردان علی بن ابی طالب(ع). عمروالحق خزاعی، محمد بن ابی بکر، میثم تمار و اویس قرنی بر می‌خیزند. بار دیگر فریاد می‌زند: کجایند یاران و هواداران امام حسن مجتبی علیه السلام؟

سفیان بن ابی لیلی همدانی و حذیفه بن اسید غفاری بلند می‌شوند. برای چهارمین بار فریاد می‌زند: کجایند یاران حسین بن علی(ع). شهیدی کربلا بر می‌خیزند.

پس منادی می‌گوید: کجایند شاگردان امام علی بن حسین زین العابدین(ع). جبیر بن مطعم، یحیی بن ام طویل، ابوخلد کابلی و سعید بن مسیب بلند می‌شوند.

بعد شاگردان امام باقر(ع) را فرا می‌خوانند و عبدالله بن شریک عامری، زراره بن اعین، برید بن معاویه عجلی، محمد بن مسلم و ... دیگران بر می‌خیزند. بدین ترتیب، تمام پیروان اهل بیت: فرا خوانده می‌شوند. اینان نخستین گروهی هستند که به بهشت گام می‌نهند.

○ استادان

ابوخلد کابلی بیشتر عمر خود را در مدینه نزد سه تن از امامان معصوم: به سر برد و از محضر امام سجاد و امام باقر علیهم السلام کامیاب شد. بنابراین، می‌توان گفت که وی، از سال ۶۱ تا سال ۱۱۴ هجری، از استادان بزرگی چون امام علی بن حسین(ع) امام محمد باقر(ع) و امام صادق(ع) دانش و معارف آموخت. بیشتر روایات ابوخلد از امام ششم و هفتم است و چند روایت نیز از اصبح بن نباته و یحیی بن ام طویل نقل کرده است.

○ روایات

از ابوخلد حدود هشتاد روایت درباره اعتقادات، اخلاق، تاریخ، مهدویت، تفسیر و ... نقل شده است.

○ شاگردان

برخی از کسانی که از ابوخلد روایت نقل کرده اند، عبارتند از:

۱. ابی حمزه ثمالی (بحار، ج ۳۱، ص ۳۸۶)
۲. ابن عماره (بحار، ج ۳۷، ص ۲۲۳)
۳. ابن ابویوب (بحار، ج ۲۳، ص ۳۸)
۴. بشر الکناسی (بحار، ج ۵۱، ص ۱۲۵)
۵. اسماعیل بن جابر (بحار، ج ۵۲، ص ۱۸۷)
۶. جمیل بن صالح (بحار، ج ۶، ص ۱۷۸)
۷. حسین بن سلمه (بحار، ج ۲۲، ص ۵۲۶)
۸. حمید بن صالح (بحار، ج ۳۹، ص ۲۳۹)
۹. سدیر صیرفی (بحار، ج ۷، ص ۲۶۵)
۱۰. سعید بن جبیر (بحار، ج ۴۶، ص ۷۱)
۱۱. عبدالحمید طائی (بحار، ج ۵۳، ص ۵۶)
۱۲. عبدالله بن فضل (بحار، ج ۵۵، ص ۲۷۴)
۱۳. محمد بن حرمان (بحار، ج ۷۷، ص ۱۷۱)
۱۴. میسر بن عبدالعزیز نخعی (بحار، ج ۲۷، ص ۵۶)
۱۵. معمر بن یحیی بن سام (بحار، ج ۵۲، ص ۲۴۳)
۱۶. منصور بن یونس (بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۰)

○ پایان عمر

تاریخ درگذشت ابوخلد مشخص نیست، اما او علاوه بر امام سجاد(ع)، دوره امام باقر(ع) (امامت: ۹۵-۱۱۴ق) را هم درک کرده و به جرگه اصحاب آن حضرت درآمد.



امروز، همان فرداست!

یکی از آرزوهای انسان، جاودانگی است؛ حب بقا و زندگانی ابدی، همیشه بودن و همیشه ماندن است؛ و به همین دلیل، ترس از فنا و نابودی، نیست شدن و مردن و به دست فراموشی سپرده شدن، یکی از همنشینان همیشگی انسانها بوده و هست.

و دقیقا به همین خاطر است که آرزوهای او، طولانی و دور و دراز است. شاید بدین گونه او می‌خواهد مرگ را از خود دور ساخته و آن را به فراموشی سپارد. اینکه او هر روز خواهان دیدن فرداست [و فردا نیز گویا هرگز نیامده و نخواهد آمد!] خود دلیلی بر این آرزوی انسان است.

شاید او نمی‌خواهد باور کند که: امروز همان فرداست، فردای دیروز! همان فردایی که انتظارش را می‌کشد و همیشه واهمه‌ی ندیدن آن را دارد! به راستی مگر امروز [یعنی فردای دیروز] با فردا چه فرقی دارد؟ چرا انسان خود را به غفلت و ناپاوری زده و از کنار این قضیه به راحتی و بدون هیچ تامل و پاسخ قانع کننده می‌گذرد!؟

شاید مهمترین دلیلش همان است که ذکر شد: حب بقا و جاودانگی، ترس از فنا و نیستی به ضمیمه غفلت و نسیان مرگ.

اما دلیل مهم دیگری نیز می‌توان برای آن ذکر نمود و آن عدم تفکر در محتوا و سطور گذشته است. گویا انسان هرگز نخواست: یکبار و برای همیشه در این رابطه که «انتظار او از فردا» چیست؟ به تفکر بنشیند و به خود بگوید: برای چه منتظر فردا و فرداهای دیگر است؟ چه خصلتی در فردا هست که در امروز نیست؟! و مگر فرداهایی که آمدند و رفتند [دیروزها] چه اتفاق تازه ای در زندگی او رخ داد؟! چه بهره‌ای از آنها برد و چه کارهای خارق العاده و خاصی از او سر زد!؟

آری اگر یکبار به این موضوع دقیق اندیشیده و در آن تامل نماییم در خواهیم یافت که برای اکثر انسانها هیچ فرقی بین فردا، امروز و دیروز نیست و اکثر آدمها از روزهای آینده همان بهره‌هایی را خواهند برد که از روزهای گذشته برده‌اند!!

اما انسان عاقل آنست که هر روز با خود بگوید: «امروز همان فرداست؛ فردای دیروز» و بگوید: «خوب مگر از فردا چه می‌خواستی؟ بشتاب و از

ساعات و آنات امروز بهره بگیر و مباد که باز هم غافلانه در انتظار فردا نشسته و امروز را نیز مانند دیروز از کف بدهی» و چه زیبا فرموده مولای متقیان امیر مؤمنان علی علیه السلام که:

مَا مَضَى مَضَى و مَا سَيَاتِيكَ فَايْنِ
قِمِ فَاغْتَنِمِ الْفُرْصَةَ بَيْنَ الدَّمَمَيْنِ

آنچه گذشت [دیروز] گذشت و آنچه خواهد آمد [فردا] کجاست؟ پس برخیز و این فرصت میان دو معدوم [یعنی امروز را که بین دیروز و فردا قرار گرفته است] را دریاب [و از آن بهره‌ای را که می‌خواهی ببر].

فَاعْتَبِرُوا يَا اُولَى الْاَبْصَارِ

آری تنها کسانی متوجه منظور آن حضرت می‌گردند که یکبار و به طور جد، در این خصوص به تامل نشسته و «هدف خود» را از نیل به فردا مشخص نمایند: از «فردا» چه می‌خواهیم؟ در زندگی به دنبال چه می‌گردیم؟ برای حرکت و نیل به مقصد چه کمبود و مانعی وجود دارد که منتظر رفع آن در فردا و فرداها هستیم؟

و باز به این نکته بسیار بیاندیشیم که:

فردا را چه کسی دیده؟ از کجا معلوم که فردا [ببی که اکنون معدوم است] جزو فرصت‌های من باشد؟ مگر نه آنست که بسیاری از انسان‌ها شب خوابیدند و صبح فردا را ندیدند؟ و یا صبح از خواب برخاستند و شب را ندیدند؟! [مرگ باوری و توجه دائم به آن].

و مگر چه فرقی بین «من» و «دیگر انسان‌ها» است؟ مگر آنان که مُردند نیز مانند من منتظر حلول فردا نبودند؟ و مگر مرگ دفعتا پرونده زندگی آنها را نبست و آخرین فرصت آنها را «امروز» قرار نداد؟! ...

آری اندکی تامل در این باب و توجه به این سؤالات است که رذیله‌ی «تسویف» [یعنی: فردا فردا کردن و به تاخیر انداختن توبه و یا کارها برای روزهای بعد] را از انسان دور ساخته و به او می‌قبولاند که:

«امروز، تنها فرصت است؛ امروز، همان فرداست»

علی علیه السلام:

الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاتَّهَيَّزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ

فرصت، مانند حرکت ابرها در گذرست؛ پس، فرصت‌های خیر را غنیمت شمارید.

■ شوق لقای دلدار...

استاد علی صفایی حائری در شهر قم، در سال ۱۳۳۰ دیده به جهان گشود. وی پس از سپری نمودن دوران کودکی و با گذراندن دوره‌ی دبستان و اتمام کلاس ششم نظام قدیم آن دوره، در سن سیزده سالگی شروع به تحصیل علوم دینی و حوزوی نمود.

■ تحصیلات

دروس سطح حوزه را در کمتر از ۴ سال به پایان رساند. او «رسائل» را نزد سیدمهدی روحانی و شیخ جعفر سبحانی تحصیل نمود و برای فرا گرفتن «مکاسب» که از کتب فقهی پایان دوره سطح است از آقایان بناوانی و فاضل قفقازی بهره جست و در نهایت با خواندن کتاب «کفایة‌الاصول» نزد آقایان فاضل، ستوده و میرزا حسین نوری دوره سطح را به اتمام رساند. در خارج فقه و اصول از آقایان شیخ مرتضی حائری و سید محقق داماد استفاده نمود و در طی این دوره علمی به تصریح خود بیشتر از محضر علمی پدرش که جزء اساتید زبده حوزوی در سطوح عالی بود بهره برد تا اینکه در جوانی به درجه اجتهاد نایل شد.

■ ادبیات

او هم‌زمان با تحصیلات حوزوی و در آستانه چهارده سالگی پس از آشنائی با ادبیات کودکان در سطح مجله‌های کودک آن روزگار و دستیابی به آثار ادبیات نوجوان در سطح وسیع، به مطالعه تاریخ ادبیات ایران، عرب، ژاپن، چین،

یونان، اسپانیا، آفریقا، آمریکای لاتین و سایر کشورهای غربی روی آورد و با نمونه‌هایی از شاهکارهای ادبی هر دوره آشنا گشت. در همین زمان با حرف‌های فرانتس کافکا و صادق هدایت و نیز تحلیل‌های پوچ‌گرای غربی و طرح‌های نوآرگزیستانسیالیستی و مارکسیستی و الحادی در عرصه ادبیات آشنا شد. چنان که خود می‌گوید:

شاید سیزده ساله بودم که داستان‌های صادق هدایت را تمام کردم. داستان‌هایی که درد و رنج انسان را مشخص می‌ساخت و پوچی و بن بست او را نشان می‌داد. ایشان در سال ۱۳۶۲ هنگامی که قصد سفر به جبهه داشت وصیت نامه‌ای را خطاب به دوستان خود می‌نویسد و از مرگ شیرین صحبت می‌کند و اشتیاق انسان را به ادامه سفر به دنیای آخرت خود بر می‌انگیزد. با مقایسه دنیای تنگ زمینی و نعمت‌های آخرت چشم انسان را خیره به ادامه راه ابدی خود می‌کند. در ادامه این وصیت نامه‌ی شور انگیز را می‌خوانید...

از مدت‌ها پیش کشش جبهه را در خودم احساس می‌کردم. این احساس، احساسی آشنا و عمیق بود.

ریشه‌ی این احساس را از اوائل بلوغم می‌شناختم. تنگی دنیا، عشق به مرگ را در من بر می‌افروخت. و این عشق با حالت‌هایی که از پدرم مشاهده می‌کردم، روشنایی زیادتری می‌گرفت و جلای بیشتری می‌یافت. پدرم بارها می‌گفت: «اگر انتحار جایز بود - ولو علی کراهه - خودکشی می‌نمودم»؛ نه به خاطر رنج از این زندگی، که او از زندگی خودش ابراز رضایت داشت، بل به خاطر شوق رحیل و احساس سفر که شیرینی زندگی را می‌گیرد و دلشوره و انتظار می‌آورد. و احساس غربت را آتش می‌زند. و این غربت، حتی در وطن و حتی باخویشتن



سرخ می‌خواند و باعث می‌شود که سنگینی خون را در رگ‌های احساس کنی و مرگ شهادت را بخواهی.

من نمی‌دانم تو چه احساسی از مرگ داری، ولی اینقدر می‌دانم که اگر خط مرگ در تقاطع زندگی تو نباشد و زندگی تو را نبرد، بل ادامه‌ی آن باشد و استمرار آن، دیگر مرگ مسأله‌ای نیست. باید آن گونه زندگی کرد که مشرف بر مرگ بود. این ترس از مرگ به خاطر ناهنجاری زندگی است. حیاتی که با حیات محمد و آل محمد پیوند بخورد، مرگ آن را نمی‌سوزاند و بن‌بست آن نمی‌شود؛ که مرگ، استمرار زندگی و انقلاب زندگی و حیات بزرگتر است؛ که «سحره» می‌گفتند: «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» و خدا می‌گوید: «خُلِقَ الْمَوْتُ وَالْحَيَاةُ...». موت مخلوق است و از زندگی جلوتر است و زندگی بزرگتر است؛ ان فی قتلی حیاة فی حیاة.

■ که در پس مرگ شما حیاتی بزرگتر است

ما به گونه‌ای زندگی کرده‌ایم که مرگ، آرزوها، کارها و عشق‌های ما را ناتمام گذاشته و مزاحم بوده است. مزاحمت مرگ برای زندگی ما، باعث ترس و فرار از مرگ است. اگر آرزوهای ما با مرگ تأمین شود و اگر کارهای ما با مرگ نقد شود (به اجر کارهای خود برسیم) و اگر عشق‌های ما با مرگ به تمامیت خود برسد، آیا جز عشق به مرگ، تفسیر دیگری برای عشق به زندگی خواهد بود؟ راستی که انس به مرگ، تحولی را در زندگی و اساس آن خواستار است. بی‌جهت نیست که علی می‌گوید: «وَاللَّهِ أَنْ أَيْنَ أَبِي تَالِبِ أَنْسٍ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئِدَى أُمِّهِ»؛ علی به مرگ از کودک به پستان مادر مانوس تر است؛ که غذای او، باز یچه او، انس او در آن خلاصه شده است.

ما میدان زندگی را با مرگ، محدود کرده‌ایم و این است که برای هفتادسال می‌کوشیم و درست در هنگام بهره‌برداری ما، مرگ جلوه می‌کند و حاضر می‌شود و ثمرات تو را می‌بلعد و میوه‌های تو را در کام خود می‌کشد. اگر زندگی را گسترده‌تر ببینیم و مرگ را استمرار زندگی و برای همیشه‌ی خود بکوشیم و نه برای هفتاد سال، که برای همیشه فرش و لحاف و کفش و کلاه تهیه کرده باشیم و پیش فرستاده باشیم، آیا جز انس به مرگ حاصلی خواهیم داشت؟ با این تحلیل از مرگ و انس به آن، تنور زندگی و کار و کوشش هم گرم‌تر می‌شود، که تو بیشتر می‌کوشی و بیشتر به کار می‌گیری و کمتر انبار می‌کنی... انس به مرگ تو را به قبرستان پیوند نمی‌زند، که به چرخش می‌آورد تا کام بگیری و از خاک بهره‌برداری، پیش از آنکه در کام آن پنهان شوی؛ همچون سنگی در مرداب.

کنش جبهه از این همه زمینه برمی‌خاست و با بلوغ من گره می‌خورد، حتی با آن روزهایی که تازه ازدواج کرده بودم و نمی‌بایست مرگ را بخوایم، ولی این فضل خدا بود که با این دیدگاه‌ها و شناخت‌ها و دریافت‌ها و با آن حالت‌ها و نقل‌ها و حکایت‌ها، تا به امروز هم این تنور را گرم و برافروخته نگاه داشته... چه شب‌هایی را که تا صبح بیدار می‌ماندم و در انتظار راهی بودم که به مرگ و شهادت روی بیاورم؛ که در آن لحظه، شهادت برای من از تحمل سنگینی و وظیفه‌هایم سبک‌تر و شیرین‌تر بود و با هوای نفسم می‌خواندم... و چه شب‌هایی که به خاطر همین احساس نفسانی، این راه به رویم بسته می‌شد. وقتی که مشتاق زندگی هستی، دعوت شهادت گوشت را پُر می‌کند؛ اما به روی خود نمی‌آوری و وقتی که در انتظار شهادت و حضور مرگ هستی باید زندگی را تحمل کنی و آن را آبستن کنی؛ از دشمن بسوزانی و برای ادامه راه خودت کسانی را بگذاری...

ای زندگی آبستن!! اکنون مرگ تو شهادت است...

که تو در مرگ ادامه داری و با مرگ حضور با رفتن تو، دشمن راه بازگشت نخواهد داشت که از تو دو فرزند

دو فرزند سوختن و ساختن باقی است.....

پی‌نوشت

۱. جادوگرانی که فرعون برای مقابله با حضرت موسی دعوت کرده بود و به آنها قول جوائز بسیار داد اما به محض این که فهمیدند حضرت موسی بر حق است به ایشان ایمان آوردند و حتی با تهدیدهای فرعون دست از راه حق برداشتند و در حق طلبی به شهادت رسیدند.

تو همراه است. و همین غربت و همین خستگی، زمینه زهد و آزادی و توحید است، که توحید تو، به اندازه‌ی غربتی است که با آن آشنا شده‌ای... تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی...

این احساس، انس به مرگ را در دلت می‌نشاند و احساس مهربانی از مرگ را برای تو می‌آورد. پدرم می‌گفت: «هندو مردی در مدرسه‌ی کربلا آمده بود و حجره‌ای گرفته بود و قیافه‌ای و ریش‌هایی جذاب داشت. عصرها با چوب کوتاهی راه می‌افتاد و بر دیوار مدرسه می‌نوشت: یا حضرت عزرائیل ادرکنی!» و این نوشته را با فریاد بلند می‌خواند و اشک‌هایش صورتش را وریش‌هایش را می‌شستند. پدرم می‌گفت او مشتاق مرگ بود و از زمان مردنش و از مدفنش می‌گفت و بعدها که از مدفنش پرسیدم، می‌گفتند در میان درگاه حرم امام حسین، از آن سو که برای زیارت شهدا می‌روند، دفنش کرده بودند. و می‌گفتند که قبری آماده در انتظارش بوده است. و این داستان را من با حدس و تخمین نقل می‌کنم که جایگاه و حرم و زمان آن برایم مهم نبوده و از ذهنم رفته. آنچه مرا گرفته بود و همیشه با خود مشغول داشته، همان فریاد و عشق و انس به مرگ و به حضرت عزرائیل است که برای مالولوی ناخوانده است و برای آن مشتاق، فریادرس مهربان.

آنجا که تو با مرگ مانوس می‌شوی ناچار به آن فکر می‌کنی و بهترینش را می‌خواهی. وقتی بناست مرگ تو را انتخاب کند، تو پیش‌دستی کن و بهترین مرگ را انتخاب کن که این زیرکی، انگیزه‌ی دیگری است که تو را به مرگ

شوق دیدار

روزی عزرائیل نزد ابراهیم آمد تا جان او را قبض کند، ابراهیم مرگ را دوست نداشت، عزرائیل متوجه خدا شد و عرض کرد: «ابراهیم، مرگ را ناخوش دارد.» خداوند به عزرائیل وحی کرد: «ابراهیم را آزاد بگذار چرا که دوست دارد زنده باشد و مرا عبادت کند.» مدتی از این ماجرا گذشت، تا روزی ابراهیم پیرمرد بسیار فرتوتی را دید که آن چه می‌خورد، نیروی هضم ندارد و آن غذا از دهان او بیرون می‌آید، دیدن این منظره سخت و رنج آور، موجب شد که ابراهیم ادامه زندگی را تلخ بداند، و به مرگ علاقمند شود، در همین وقت به خانه خود بازگشت، ناگاه یک شخص بسیار نورانی را که تا آن روز چنان شخص زیبایی را ندیده بود، مشاهده کرد، پرسید: «کیستی؟»

او گفت: من فرشته مرگ (عزرائیل) هستم. ابراهیم گفت: «سبحان الله! چه کسی است که از نزدیک شدن به تو و دیدار تو بی‌علاقه باشد، با این که دارای چنین جمالی دل آرا هستی.»

عزرائیل گفت: «ای خلیل خدا! هرگاه خداوند خیر و سعادت کسی را بخواهد مرا با این صورت نزد او می‌فرستد، و اگر شر و بدبختی او را بخواهد، مرا در چهره دیگر نزد او بفرستد.» در روایت دیگر از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده فرمود: هنگامی که خداوند خواست ابراهیم را قبض روح کند، عزرائیل را نزد او فرستاد. حضرت ابراهیم روزی وارد خانه شد، دید جوان زیبایی در خانه به استقبال او آمده، گفت: چه کسی تو را به خانه‌ی من راه داد، گفت: صاحب خانه مرا راه داد.

گفت: مگر تو کیستی؟

گفت: من ملک الموت هستم.

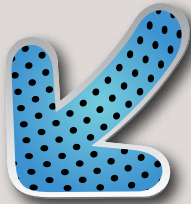
گفت: آمده‌ای که جان مرا بگیری؟

گفت: نه، آمده‌ام تو را بشارت به خلت بدهم که خدا تو را خلیل خود قرار داد.

بعد از مدتی که گذشت، مرتبه دیگر آمد و گفت: برای قبض روح آمده‌ام.

حضرت فرمود: آیا دیده‌ای دوستی جان دوستش را بگیرد، ملک الموت برگشت و عرض نمود: خدایا شنیدی که خلیلت ابراهیم چه گفت، خطاب شد بگو: آیا دیده‌ای دوستی از دیدار دوستش بدش بیاید، ابراهیم به لقای خدا، اشتیاق یافت و با شور و شوق، دعوت حق را پذیرفت و در سن ۱۷۵ سالگی به لقاء الله پیوست.

تشیع



ابو عبدا... محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید از بزرگان شیعه و از نوادر علم کلام و فقه است. وی به سال ۳۳۶ یا ۳۳۸ ه ق پا به هستی نهاد. محل تولد او در ناحیه جیل در ده فرسنگی بغداد بود. بعدها همراه پدرش که مقلب به باب العلم بود به بغداد آمد و نزد استاد های عصر خویش تحصیل نمود از معروفترین استادان وی می توان به ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی و شیخ صدوق اشاره کرد در زمان وی آل بویه بر بغداد حاکم شدند که حامی تشیع بودند بنابراین زمینه بیان عقاید و نشر اندیشه های شیعی پدید آمد شیخ مفید از این محیط آزاد در عصر خویش سود جست و در مسجد برآنا در بغداد به تدریس و وعظ و جدل با معارضین پرداخت و توانست تشیع و فرقه های آن را با هم متحد کند وی فِرَق مختلف اسلامی را تشویق نمود که اختلافات جزئی را کنار نهاده و در اصول متحد شوند. آثار شیخ مفید متجاوز از دویست تألیف می باشد شیخ مفید در شب جمعه ۳ رمضان سال ۴۱۳ ه ق در گذشت هشتاد هزار نفر جنازه او را تشیع کرد و وی را در مقابر قریش نزدیک ضریح حضرت جواد (ع) به خاک سپردند.

تولد

... این مشعل تابناک و فروزنده در یازدهم ذیقعد ۳۳۶ قمری در بغداد پای هستی بر جهان گذارد و «محمد» نام وی گردید. از آنجا که پدر او شخصی پارسا و مذهبی بود و به تعلیم و تربیت اشتغال داشت؛ «ابن المعلم» لقب وی شد و پس از چندی «عُکبری» و «بغدادی» دو لقب او گردید. محمد دوران کودکی خود را با «بزرگی» می گذراند. فراست و تیزهوشی او خبر از گذشته ای پاک؛ از خاندان خویش و آینده ای روشن؛ در بغداد و جهان اسلام می داد. عشق و شور فراوان به تحصیل موجب شد که همراه پدر به بغداد رفته و فراگیری علم و دانش را آغاز کند. او از نشاط وافر و فرح بخش بسیاری در مطالعه برخوردار بود. عطر اخلاص در وجود محمد کار را بدانجا رسانید که در پنج سالگی برای او از ابن ابی الیاس اجازه روایت گرفته اند و در حالی که هفت سال و چند ماه داشت از ابن سماک نقل روایت کرده است. وی فرزانه ای تلاشگر گردید به طوری که پیش از دوازده سالگی از برخی محدثان روایت اخذ کرده و از استاد خویش، شیخ صدوق قبل از بیست سالگی حدیث شنیده است.

معلم امت

تاریخ شیعه سرشار از افتخارات بسیار و تحولات چشمگیر است. تحولاتی که به دست عالمان متعهد و فرزنانگان اندیشمند پدید آمده است. در این میان به سده چهارم هجری بر می خوریم که «فتح الفتوح» تاریخ شیعی است؛ روزگاری که مردی بزرگ و اندیشمندی سترگ «دائرة المعارفی جامع» از معارف اسلامی تدوین کرد و قریب ۵۰ سال پرچمدار عرصه های علمی، فکری و فرهنگی مسلمین گردید و سرانجام بدانجا رسید که دوست و دشمن زبان به تمجید او گشودند و قلم به تعریف او برگرفتند و او را «مفید» لقب دادند. بینش افروزی و دانش آفرینی وی به همراه آگاهی از اوضاع دشمنان و اطلاع از جهان اطراف دست به دست هم داد و او را سلسله جنبان نهضت فکری و رُسناس علمی در قرن چهارم کرد و بدانجا رسید که «صحیفه های سبز مهدوی» عجل الله تعالی فرجه الشریف به افتخار او صادر شد و حضرت ولی عصر (ع) وی را برادری گرامی و استوار خواند.

تحصیلات و استادان

«ابن المعلم» سرو وجود خود را از چشمه دانش بغداد طراوت و شادابی بخشید و از محضر بیش از هفتاد نفر از بزرگان بهره علمی برد. از محضر مظفر بن محمد، ابویاسر و ابن جنید اسکافی «کلام و عقاید» آموخت و از درس حسین بن علی بصری و علی بن عیسی رمانی بهره جست. «فقه» را نزد جعفر بن محمد بن قولویه فرا گرفت و از محضر ادیب و مورخ چیره دست محمد بن عمران مرزبانی «علم روایت» آموخت.

ابن حمزه طبری، ابن داود قمی، صفوان و شیخ صدوق دیگر اساتید «محمد» بودند که شاهد شیرین دانش را در کام جان او ریختند. در میان استادان وی عالمانی از شهرهای مختلف مانند قم، کوفه، بصره، ساری، طبرستان، حلب، قزوین، بلخ، مراغه، همدان و شهر زور دیده می‌شوند.

جهان اسلام در عصر «مفید»

از رحلت رسول الله (ص) حدود ۳۰۰ سال می‌گذشت. در این مدت امامان و شیعیان تحت فشار بنی‌امیه و در خفقان خشن بنی‌عباس بسر می‌بردند. شکنجه‌های روحی و جسمی و اذیت و آزار خلفا و حکمرانان همچنان ادامه داشت تا اینکه در اواسط قرن چهارم هجری محدودیت؛ شیعیان به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت.

خلفای فاطمی که شیعه اسماعیلی بودند در مصر دولت نیرومندی تشکیل دادند که با تشکیل این دولت ابهت و جلال دربار بغداد کاسته شد و از طرفی سیف الدوله همدانی و امرای آن خاندان در شام حکومت می‌کردند که آنها نیز افتخار شیعی بودن را داشتند.

در کنار این دو غوریان، صفاریان و طاهریان و از همه مهمتر دولت آل بویه که از شیعیان مخلص و فرزانه اهل بیت (ع) بودند در قسمت‌هایی از ایران و عراق قدرت یافتند.

دو سال پیش از ولادت شیخ مفید، احمد معزالدوله در سال ۳۳۴ با ورود خود به بغداد و تأسیس شاخه‌ای از حکومت آل بویه در این شهر صفحه نوینی در تاریخ بغداد گشود. بهار فرصتی فراهم شد و شیعیان در پناه آل بویه از آزادی موجود بهره برده و عقاید خویش را نشر دادند. سال ۳۵۲ اولین عزاداری علنی شیعیان در عاشورا برپا شد و در پی آن جشن عید غدیر روحی تازه در کالبد شیفتگان شیعی دمید.

عزالدوله در ۳۵۶ هجری به امارت رسید و در ۳۶۷ با ریاست عضدالدوله، بغداد رونقی تازه یافت و شور و نشاط علمی قابل توجهی بدست آورد. محمد بن نعمان، شیخ مفید در این عصر می‌زیست و با توجه به اوضاع، از مقام و منزلتی بسیار برخوردار بود. بطوری که عضدالدوله به هنگام بیماری شیخ به دیدار او رفت و از وی عیادت کرد. شفاعت مفید در حق دیگران پذیرفته می‌شد و رهنمودهایش مورد قبول قرار می‌گرفت و این در حالی بود که بیش از ۳۶ بهار از عمر برکت شیخ مفید نگذشته بود. در این ایام مرجع قدرتمند و رهبر اندیشمند مسلمانان و شیعیان فرهیخته، شیخ فرزانه، مرحوم مفید بود.

بر کرسی زعامت شیعه

با وفات عضدالدوله توفان حوادث برپا شد و گرد و غبار دشمنی علیه شیعه بار دیگر پدید آمد. سال ۳۷۲ هجری برخی دیگر از خاندان بویه به امارت رسیدند و با روی کار آمدن قادر خلیفه عباسی در سال ۳۸۱ هجری خلافت عباسی تجدید حیات یافت و از نفوذ آل بویه کاسته شد. آشوب‌های مذهبی، فتنه انگیزی عیاران سخن‌سرایان، خطابه‌های واعظان بی‌سواد و آشوب طلبی سیاست‌پیشه‌گان؛ آتش فتنه را شعله‌ورتر می‌کرد و آن دوران را به عصری بر التهاب و روزگاری پر از پیکارهای عقیدتی جلوه‌گر می‌ساخت. اما تدبیر عالمانه و دقیق شیخ فرزانه و «مفید» اندیشمند که ریاست جهان شیعه را به عهده داشت راه را بر کج روان و بدسگالان بسته بود و وعده‌های دروغین «مدینه فاضله» توسط افراد منحرف را رسوا و بر ملا می‌ساخت.

بیرق مبارزه در سده چهارم به دست این دانشمند بصیر بود. وی با استفاده از چشمه پاک و زلال وحی، دانش و معرفت اصیل را به ارمغان آورد؛ نظر معتزله را

شنید و آراء غلات را بدست آورده سخنان زبیده را دانست و به هر یک جوابی منطقی و در خور ارائه داد و تا بدانجا پیش رفت که هر گروهی از آنان که در مناظره با شیخ مفید شرکت کردند، ساعتی بعد خموشی خجلت برگزیدند و با سکوت عجز آلود خود، نشان افتخار و سربلندی را به دست شیخ سپردند. رساله‌های استوار، متین و دقیق وی و بیان اعتقادات شیعه با اسلوبی صحیح و کم نظیر توفیقی افزون بود که رهبری شیعیان را برای شیخ مفید پربارتر می‌نمود.

صحیفه‌های سبز

دفتر زندگی معلم امت، شیخ مفید، صحیفه‌ای سپید و نورانی است که دستخط مبارک سلاله یاسین، حضرت بقیه... الاعظم ارواح العالمین له الفداء در آن به چشم می‌خورد.

در اواخر ماه صفر ۴۱۶ هجری بود که نامه‌ای از طرف حضرت برای شیخ فرستاده شد. بوسه سپاس و اشک شوق او بر نامه آمد و چون آن را گشود دست خط زیبایی رخ نمود: «للاخ السدید و الولی الرسید الشیخ المفید... برادر گرامی، استوار و دوست راه یافته شیخ مفید...» و در توقیعی دیگر و لطفی افزون‌تر؛ در پنج شنبه ۲۳ ذی حجه هجری نامه‌ای دیگر از طرف حضرت به افتخار شیخ صادر شد: «بسم الله الرحمن الرحیم سلام الله علیک ایها الناصر للحق الداعی الیه بکلمه الصدق..» بنام خداوند بخشنده بخشایشگر، سلام خدا بر تو ای یاری کننده حق و دعوت کننده به سوی او از کسی که با صدق و راستی به سوی خدا دعوت می‌کنی...»

برخی بر این باورند که در طول ۳۰ سال، ۳۰ توقیع و نامه شریف از ناحیه مقدس حضرت ولی عصر (عج) برای شیخ مفید صادر شده که در عنوان بسیاری این جمله نورانی دیده می‌شود؛ «برادر گرامی و استوار؛ شیخ مفید».

در آینه نگاه اندیشمندان

شیخ طوسی، سید شرف‌الدین عاملی، علامه بحر العلوم، قاضی نور... شوشتری، این شهر آشوب مازندرانی شیخ آقا بزرگ تهرانی، حاج میرزا حسین نوری و بسیاری دیگر از سبز سیرتان اندیشمند و دانایان شیعه شیخ را مردی فقیه، مؤلفی زبردست و صاحب دویست کتاب، صاحب فکری بلند و عالی و دارای ذهن دقیق و قابل توجه دانسته‌اند، او را در دوری از خطا و گناه، برخورداری از فقاقت و عدالت و بهره‌مندی از تیزهوشی و فضائل بسیار، کم نظیر شمرده‌اند.

در بین دانشمندان اهل تسنن نیز شخصیت‌هایی چون ابن ندیم، ابن جوزی، ابن حجر عسقلانی و دیگران زبان به تمجید این فرزانه سپید سیرت گشوده‌اند؛ او را پاسدار علم، فروتن، دارای جایگاهی والا و صاحب نظر در فقه و کلام و روایت دانسته‌اند و از سویی دیگر ریاست امامیه را به او نسبت داده و بر مقام بس رفیع شیخ سر تعظیم فرود آورده‌اند.

داستان‌هایی از زندگی شیخ

«ایمان راسخ» و «انبوه دانش» شیخ به همراه اخلاص و پشتکار کیمیایی چشمگیر بود که وجود شیخ را نورانیتی خیره‌کننده بخشیده بود و کار وی را بدانجا رسانید که چون فتوایی را بطور غیر عمد به اشتباه جواب داد حضرت ولی عصر (عج) خود با پیغامی آن را اصلاح فرمود، پس از مدتی که مرحوم مفید آگاه شد و در پی آن از دادن فتوا منصرف گردید آن حضرت طی نامه‌ای به شیخ فرمود: «بر شماسست که فتوا بدهید و بر ماست شما را استوار کرده و نگذاریم در خطا بیفتید»

مقام علمی و منزلت معنوی شیخ در آن حد بود که در خواب دخت رسول الله (ص) حضرت زهرا (ع) را دید که دست عزیزان خود امام حسن و امام حسین (ع) را در دست داشته و خطاب به شیخ فرمود: «ای شیخ به این دو فقه بیاموز». ساعتی بعد حیرت مرحوم مفید برطرف شد، چرا که مادر سید مرتضی و سید رضی را دید که دست دو فرزند خود را در دست داشته و به شیخ گفت: ای شیخ به این دو فقه یاد بده، و آنگاه که در مساله‌ای فقهی بین استاد و شاگرد؛ شیخ مفید و شیخ مرتضی اختلاف نظر و با بحث و ارائه دلیل مشکل حل نشد، هر دو راضی به قضاوت امام امیرالمومنین علی (ع) می‌شدند. مساله را بر

کاغذی نوشته و بالای ضریح مقدس حضرت گذاردند. صبح روز بعد که کاغذ را برداشتند دستخطی مزین به چنین نوشته‌ای دیدند که: «شیخی و معتمدی و الحق مع ولدی علم الهدی» با فرزندم سید مرتضی؛ علم الهدی است.

■ معنویت «شیخ» و اخلاق «مفید»

اشتغالات اجتماعی و دل مشغولی‌های تحصیلی و علمی شیخ را از فتوحات معنوی غافل نساخته بود. هر روز که می‌گذشت شکوفایی اخلاقی و عطر ملکوتی بر شاخسار وجود این فقیه فرهیخته بیشتر و افزون تر می‌گردید.

صدقات بسیار، خشوع و خضوع فراوان، روزه‌ها و نمازهای بیشمار و ساده پوشی شیخ اثری ژرف در دیدگان دوست و دشمن گذارده بود. هم رنگی او با اقشار کم درآمد و فقیر جامعه و دوری گزیدن از دنیای فانی موجب آرامش نفس و اطمینان خاطر آن فرزانه والا گوهر شده بود. بطوری که رسیدن به قله تکامل و تهذیب نفس برای او آسان شده و ارجمندی شخصیت شیخ را پدید آورد. سخنان و دستور العمل‌های شیخ نه تنها «نسخه‌ای کار آمد»، بلکه «دارویی شفابخش» حساب می‌شد و نورانیتی ویژه برای خود داشت. از تأثیر کلام شیخ و تربیت اخلاقی وی همین بس که «ابوالقاسم علی» فرزند شیخ راه روشن و نورانی پدر را ادامه داد و صاحب شخصیت قابل توجهی در جامعه شیعی به حساب آمده است.

■ در عرصه تألیف و تدریس

جاذبه فوق العاده و پشتکار فراوان شیخ مفید موجب جذب بسیاری به حوزه درس وی گردید؛ این عالم فهیم و بلند همت با احاطه و تسلطی اندیشمندانه پای به میدان نبرد علمی فرهنگی گذارد و با استفاده از مبانی علم کلام و اصول فقه، راهی هموار و روشن در بحث و استدلال بر روی شیعیان گشود. از یک سو گروه بی شماری از دانشمندان مذاهب مختلف را تربیت نمود و مشعل‌های فروزانی چون سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، نجاشی و دهها نفر دیگر را تحویل حوزه‌های علمی و دینی داد و از سوی دیگر قلم به دست گرفت و با این سلاح برق آسا و ژرف، تحولی بهنگام ایجاد کرد. اصول فقه را با سبکی شیوا و دلپذیر فراهم آورد، علم کلام را از غنای بیشتری برخوردار کرد و در اصول دین و عقاید موضوعات خاصی چون اثبات امامت امیر المومنین علی (ع) را از قرآن به طور بسیار نفیس مزین نمود. قلم روان و دلپذیر این شیخ اندیشمند بود که غیبت امام زمان (ع) را زیبا توضیح داد و تاریخ زندگانی ائمه معصومین (ع) را در کتاب‌های گوناگونی چون ارشاد و جمل به رشته تحریر در آورد.

تأثیر بخشی و انسان سازی آثار مفید، محصول معجون‌هایی معنوی چون اخلاص در نوشتار، اطلاع از ادیان و مذاهب مختلف، محوریت عقاید، توجه و تأکید بر رهبری و فلسفه سیاسی در اسلام است. جامعیت این فرزانه سخت

کوش به همراه عقل گرایی و استدلالات منطقی و شناخت مقتضیات زمان، جامه جاودانگی بر آثار وی پوشانید. و زینت‌های مختصر گویی، روان نویسی، آزاد نوشته‌های مرحوم مفید بخشید.

■ گلبرگ‌های هدایت

الف) علم، کلام و عقاید: علمی که مبانی عقیدتی همراه همراه با استدلال عقلی در آن مطرح می‌شود و با همین روش به شبهات و پرسش‌های افراد جواب داده می‌شود؛ «علم کلام» نام دارد «اوائل المقالات»، «شرح عقاید صدوق»، «جوبه المسائل السرویه» و «نکت الاعتقادیه»، کتاب‌های شیخ عظیم الشان، مرحوم مفید در این بستر فکری فرهنگی است.

ب) علم فقه: «فقه» دانشی است مقدس که از دیر باز بیان وظائف شرعی و بایدها و نبایدهای علمی و تکلیفی مسلمان‌ها را به عهده داشته است و فقیهان شیعی بسان غواصان معنویت از اعماق اقیانوس معارف اهل بیت (ع) دُرّ واژه‌ها و گوهرهای گران سنگی را برای بیان این وظایف بدست می‌آورده‌اند. «المقنعه» شیخ صاحب عناوین بسیاری در فقه است که احکام و وظائف شرعی در ابواب مختلف آن توضیح داده شده است. «الاعلام»، «المسائل الصاغیبه»، «جوابات اهل الموصل فی العدد الرویه» و «جواب اهل الرقه فی الاهله و العدد» از دیگر آثار این فرزانه فرهمند در زمینه فقه است.

ج) اخلاق اسلامی: «امالی» شیخ، پیرامون اخلاق اسلامی و فضائل انسان است. صحیفه‌های زرین که در آنها دعوت به تقوا، صحبت از یقین، بیان اخلاص و محاسبه نفس شده است و محبت الهی و مبارزه با هوا و هوس‌ها مطرح می‌شود. **د) حدیث:** پس از علوم قرآنی، ارزش علم حدیث مطرح است. این علم ارزشمند از احادیث و سخنان معصومین (ع) که جرعه‌هایی از سرچشمه سنت و اشعه‌هایی از آفتاب وحی است بحث می‌کند. اهمیت ولایت، لزوم پیروی از امام (ع) و فضائل امیرالمومنین علی (ع) از جمله مباحثی است که در امالی شیخ مفید، پیش روی اندیشمندان قرار می‌گیرد.

ه) امامت و فلسفه سیاسی در اسلام: شیخ مفید «عدالت» و «عصمت» را شرط قطعی برای امامت و رهبری شمرده است. وی با طرح حدیث ثقلین و آیات قرآن به این بحث مهم و بسیار عمیق پرداخت. سپس در «الافصاح فی الامامه»، «ارشاد»، «جمل»، «امالی»، «الفصول المختاره»، «تفصیل امیر المومنین علی سایر الصحابه» بحث را گسترش داده و ابواب مختلف آن را گوشزد می‌کند. قریب بیست اثر ژرف از آثار شیخ مفید پیرامون «امامت و رهبری» است.

و) غیبت امام دوازدهم

در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود

کان شاهد بازاری وین پرده نشین باشد

شیخ مفید از سر ارادت و عشق از مولای خود حضرت مهدی (عج) نام برده

و پیرامون شخصیت آسمانی آن امام آثاری پدید آورده است. بخشی از «ارشاد» کتاب «الفصول العشره فی النبیّه»، و «الجوابات فی الخروج المهدی(عج)» به همراه پنج اثر دیگر از این علامه و شیفته اهل بیت (ع) درباره حضرت بقیه الله(عج) است.

■ جبهه‌های مختلف مناظره

نشو و نمای عقاید گوناگون و نحله‌های مختلف عقیدتی، زمان شیخ مفید را معرکه آراء و هنگامه مناظره کرده بود. بیان پر جوش، تسلط چشم گیر و بصیرت بسیار وی موجب برتری همیشه در نبردهای علمی فرهنگی وی شده بود. «تصحیح الاعتقاد» و «الفصول المختاره» مجموعه‌ای از برخی مناظرات شیخ با بیش از بیست تن از علما و صاحب نظران عقاید مختلف که از آنها می‌توان به مناظره با اشاعره، معتزله، اصحاب حدیث، متصوفه و مرجعه اشاره کرد. در این عرصه «اندیشه‌های سبز و جاوید» شیخ در زمینه‌های ناب و اصیل خود نشان داد و بینش سراسر معرفت آموز او ظاهر گردید. ولایت فقیه از دیدگاه شیخ مفید، آراء فقهی، اندیشه‌های سیاسی و نظرات کلامی وی طلوعی مبارک در پهنه دانش و بینش ایجاد کرد و همگان را بسوی فضایی معطر و جدید رهنمون ساخت.

هرچند توفان حوادث، گرد گرفتاری بر وجود این دانشمند فرزانه فرو نشاند و تبعیدها و ناراحتی‌های زیادی برای وی فراهم آورد اما بد خواهی زشت سیرتان و سخن چینی پلیدان نزد حکام نتوانست عزم و اراده محکم شیخ را متزلزل کند و هر روز، روزی روشن تر و نورانی تر برای وی پدید می‌آمد.

■ غروب نابهنگام

نخستین روزهای رمضان ۴۱۳ هجری آغاز شده بود که غبار غم سراسر دل‌های پاک را فرا گرفت. شهر بغداد جامه سیاه به تن کرد و ورودهای مصیبت و اندوه از گوشه و کنار سیل ماتم و عزا به سوی میدان شهر روانه ساخت. هشتاد هزار سوگوار اشک یتیمی ریخته و عاشورایی دیگر در ماه صیام به پا کردند. پیکر شیخ مفید بر دستان انبوه خلائق تشییع شد و همگان به امامت سید مرتضی بر او نماز گزارند. ساعاتی بعد بدن آن فرزانه آسمانی در کاظمین دفن شد. دل‌های پر از کینه و تهی از احساس، کیاست و حکمت این را پایان کار آن بزرگ مرد شمرده و ساده اندیشان جشن گرفتند اما شخصیت سترگ او پنهان کردنی و فراموش شدنی نبود. ... و امروز پس از قرن‌های متمادی «مفید» هنوز «مفید» است در معرکه آراء، کلام وی خورشید مناظرات و آفتاب گفتگوهاست و فردا و فرداها از آن او و راهبان او خواهد بود.

سوگ سروده‌های مرگ مفید:

سر سلسله داغداران و سوگواران این ماتم عظمی، قلب عالم وجود و در دانه خلقت؛ حضرت بقیه الله (عج) بود که با اشعاری حزن آلود، احساس خویش را بیان فرمود:

لا صَوْتَ النَّاعِي بِقَدِّكَ إِنَّهُ يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ...

صدای آنکه خبر مرگ تو را اطلاع داد به گوش نرسد که مردن تو روزی است که بر آل رسول مصیبت بزرگی است، اگر در زیر خاک پنهان شده‌ای حقیقت دانش و خدا پرستی در تو اقامت گزیده است قائم مهدی(عج) خوشحال می‌شد هرگاه تو از انواع علوم تدریس می‌کردی.

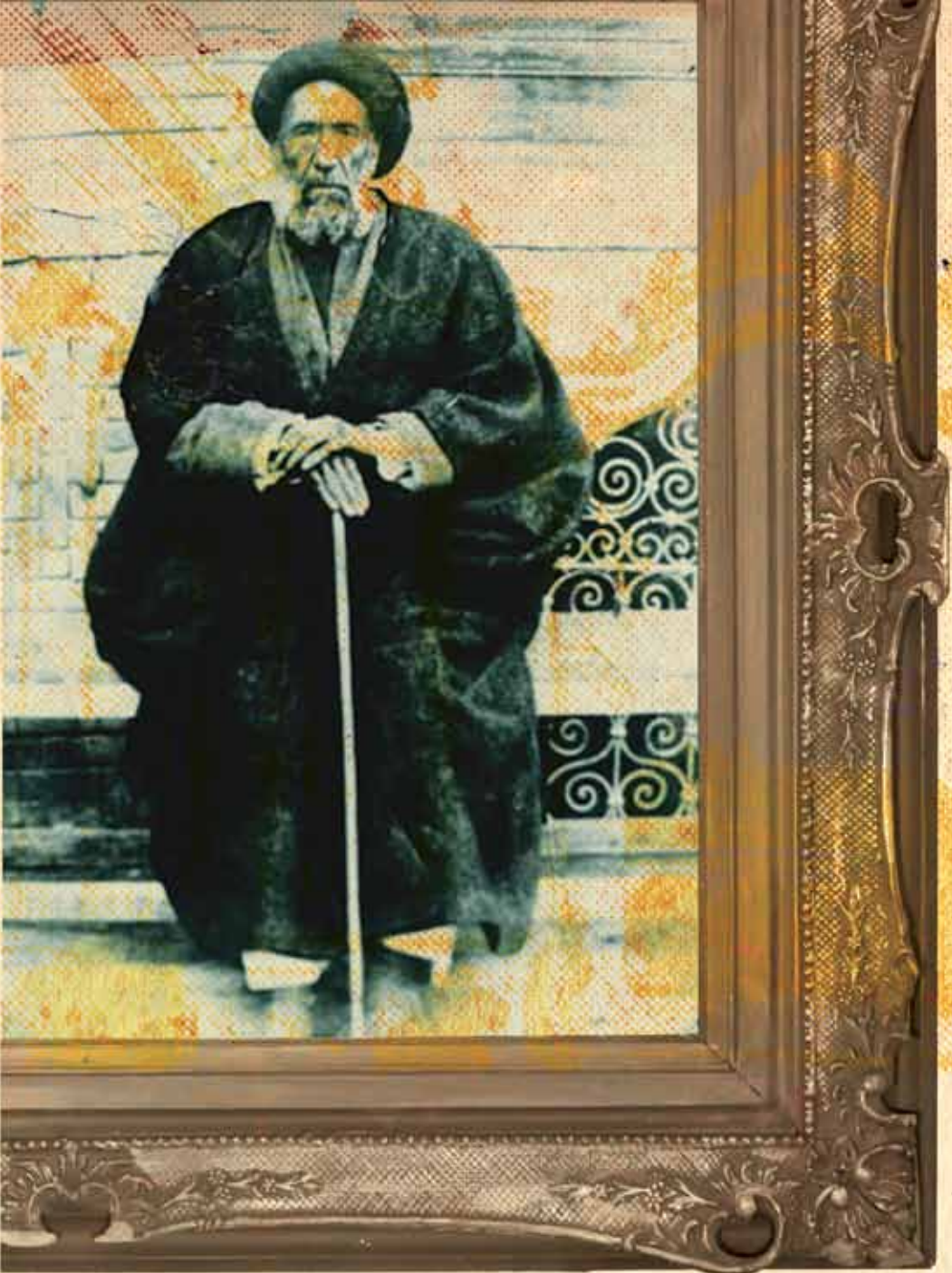
سید مرتضی که خود سالیانی از پهنه علم و دانش او خوشه چینی کرده بود به شیوا ترین و زیباتر از هم گنان زبان سوگ گشود و قصیده‌ای با این مطلع سرود:

من علی هذه الدیار اقاما اوضفا ملبس علیه وداما
در این دیار چه کسی ساکن شده است، جامه جاودانگی پوشیده و همیشه باقی مانده است.

■ کنگره جهانی هزاره شیخ

رسالت معرفی تشیع راستین و اندیشمندان شیعی که عظمت دانش، تفکر زاینده، رفعت تقوا و ژرفایی فراوان آنها بیرق بزرگی و بزرگواری تشیع را همواره بر بلندای تاریخ پدیدار ساخته است موجب شد که کنگره‌ای جهانی و هزاره‌ای بین المللی به مناسبت هزارمین سالگرد دانشمند فرهیخته، شیخ مفید در قم بر پا شود. این حرکت عظیم که به همت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم انجام شد برکات بسیاری را در پی داشت. حدود صد عنوان از اهم موضوعاتی که در آثار شیخ مفید پیرامون افکار تشیع مطرح بوده به صورت مقاله تهیه شد و با موضوع بندی آثار آن عالم فرزانه با کامپیوتر اقدامی شایسته و جاودان صورت گرفت. تمامی آثار مرحوم مفید تجدید چاپ گردید و بهارانی دیگر از گلوژه‌های حکمت افروز آن اندیشمند فرهیخته پدید آمد. پیام جامع و بینش آفرین مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای دیباچه معرفت آموزی بود که در اولین روز این کنگره (۲۸ فروردین ۱۳۷۲ شمسی) قرائت گردید و بدنبال آن صدای سبز و شب شعر بر پا شد. شعرای شیرین سخن ایران چکامه‌ها و سروده‌هایی زیبا قرائت کردند و شیخ الشیوخ شیعه را ارج نهادند. همگان رفعت و «مقام آدمیت» را دیدند و «جاودانگی حقیقت» را نظاره کردند و مکنونات قلبی آن شیخ «مفید» دریافته‌اند که

کیمیاست عجب بندگی پیر مغان خاک او گشتم و چندید در جانم داند
برکات الهی و درجات خداوندی نصیب همیشه او باد.



شاه اردستان ملا محمد کاظم هیچکس نتواند

■ **رضاشاه** او، همراه دکتر مصدق، از معدود نمایندگان مجلس پنجم بود که با انقراض سلسله قاجاریه و شاه شدن رضاخان مخالفت کرد. اما وقتی رضاشاه به سلطنت رسید سعی کرد با او مدارا کند. به همین دلیل در مجلس ششم هم به نمایندگی از مردم تهران شرکت کرد. اما در پایان این دوره مجلس رضا شاه که انتخابات با نظر او انجام می‌شد، مدرس را از نمایندگی محروم کرد. اعتراض او به جایی نرسید و کمی پس از گشایش مجلس هفتم دستگیر و تبعید شد.

■ **شهادت** روز ۱۰ آذر ۱۳۱۶ در تبعید گاه خود در کاشمر درگذشت. او از مهر ماه ۱۳۰۷ در بازداشت و تبعید حکومت رضاشاه بود. گفته می‌شد گروهی از ماموران نظمیه، مدرس را به دستور مقامات شهربانی به قتل رسانده اند. این گروه پس از سقوط رضاشاه در دادگاهی که برای رسیدگی به اتهامات رئیس و ماموران نظمیه تشکیل شد، به قتل مدرس اعتراف کردند. با این همه جرئیات و انگیزه این قتل هنوز معلوم نیست.

در سال ۱۲۷۸ هجری قمری (حدود ۱۲۴۰ خورشیدی) در روستای کچوی اردستان به دنیا آمد. در جوانی به قمشه و اصفهان رفت و به حوزه علمیه وارد شد. بعد به نجف رفت و هفت سال در درس ملا محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم یزدی حاضر شد. پس از بازگشت به اصفهان در مدرسه «جده کوچک» فقه و اصول تدریس کرد.

■ **مشروطه** در جنبش مشروطه به مشروطه خواهان پیوست و از موسسان «انجمن ملی» در اصفهان بود. در دوره دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر برپا شد، به عنوان یکی از پنج مجتهد طراز اول به نمایندگی از علما شرکت کرد.

■ **قرارداد ۱۹۱۹** مدرس در جریان مطرح شدن قرارداد ۱۹۱۹ به شدت با این قرارداد مخالفت کرد. ولی در جریان بحث اعتبارنامه نصرت‌الدوله که از امضا کنندگان آن قرارداد و متهم به رشوه گیری از انگلیس بود از او دفاع کرد.

خاطراتی از شهید مدرس

احمد میرجلالی می گویند مدرس غالباً نامه‌هایی که می‌نوشت، روی کاغذ پاکت تنباکو و کاغذهایی بود که در آن روزگار، قند در آن می‌پیچیدند. یکی از وزیران نامه‌ای از مدرس دریافت داشته و آن را اهانت به خود دانسته بود. روزی یکی از آشنایان مدرس آمد و یک دسته کاغذ آورده به مدرس گفت: جناب وزیر این کاغذها را فرستاده‌اند که حضرت آقا مطالب خود را روی آنها مرقوم فرمایند.

مدرس گفت: عبدالباقی! چند ورق از آن کاغذهای مرغوب خودت را بیاور. فرزند مدرس فوری بسته‌ای کاغذ آورد. مدرس به آن شخص گفت: آن بسته کاغذ وزیر را بردار و این کاغذها را هم روی آن بگذار. سپس روی تکه کاغذ قند نوشت: جناب وزیر! کاغذ سفید فراوان است ولی لیاقت تو بیشتر از این کاغذ که روی آن نوشته‌ام نیست.

سرلشکر خدایار از طرف رضا خان نزد مدرس آمد و با کمال تواضع و احترام گفت: رضا شاه می‌گوید، خوب است شما به درس و بحث خود بپردازید و از دخالت در امور سیاسی خودداری کنید. رضا شاه میل دارد باب مراد را با شما باز کند و به هر طریق که بپسندید با شما روابط حسنه داشته باشد و همه اوامر شما را در امور مملکتی اطاعت خواهد کرد. ضمناً مبلغ یکصد هزار تومان برای شما فرستاده تا در هر راهی که صلاح می‌دانید به مصرف رسانید. مدرس چند لحظه‌ای به آن پول نگاه کرد. سپس فرمود: به رضا خان بگویید که من وظیفه شرعی دارم که در امور مسلمین دخالت کنم.

زمانی که اوضاع و احوال پایتخت دچار هرج و مرج می‌شود، در کرمانشاه دولت موقت تشکیل و مدرس، وزیر عدلیه و اوقاف می‌گردد. به مناسبتی اعضای کابینه موقت برای پاره‌ای مذاکرات با دولت عثمانی (که تا کرمانشاه و همدان را تصرف کرده بودند) به ترکیه سفر کردند.

هنگام ملاقات با سلطان محمد خامس، خلیفه عثمانی، ابتدا مدرس خود و همراهان را به خلیفه عثمانی معرفی می‌کند و اظهار می‌دارد: از اینکه با صراحت صحبت می‌کنم، عذر می‌خواهم. ما روحانیون در ایران در زمان استبداد آزاد بودیم. در حکومت مشروطه هم به علت اینکه نماینده مردم بودم، آزاد بودم. اینجا هم مطالب خود را آزاد اظهار می‌کنم. مقصود ما از مهاجرت به کشور شما این است که دولت عثمانی روابط دو دولت ایران و عثمانی را که هر دو مسلمان هستند محترم بدارد. حسن رابطه به نفع طرفین است. دولت عثمانی قسمت‌هایی از ایران را اشغال کرده، ادامه این وضع به مصلحت شما نیست، مردم ناراضی هستند و اگر ما در محل اختلافاتی داریم، خودمان آن را حل و فصل خواهیم کرد.

زمانی که نصرت‌الدوله وزیر دارایی بود، لایحه‌ای تقدیم مجلس کرد که به موجب آن، دولت ایران یکصد سگ از انگلستان خریداری و وارد کند. او شرحی درباره خصوصیات این سگ‌ها بیان کرد و گفت: این سگ‌ها شناسنامه دارند، پدر و مادر آنها معلوم است، نژادشان مشخص است و از جمله خصوصیات دیگر آنها این است که به محض دیدن دزد، او را می‌گیرند. مدرس طبق معمول، دست روی میز زد و گفت: مخالفم. وزیر دارایی گفت: آقا! ما هر چه لایحه می‌آوریم، شما مخالفید، دلیل مخالفت شما چیست؟ مدرس جواب داد: مخالفت من به نفع شماست، مگر شما نگفتید، این سگ‌ها به محض دیدن دزد، او را می‌گیرند؟ آقای وزیر! به محض ورودشان، اول شما را می‌گیرند.

کلاه رضاخان

در یکی از جلسات مجلس، صحبت نمایندگان از بره، بز و میش بود و پوست کندن آنها. نماینده‌ای گفت: پوست بره یک منبع عایدی است، ولی باید بره کشتی ممنوع و منع گردد؛ بره را برای چه بکشند؟ مدرس با خونسردی گفت: برای کلاه رضاخان. آن روزها رضاخان که هنوز شاه

نشده بود، کلاه پوستی به سر می‌گذاشت. خنده و کلا، نظم مجلس را به هم زد.

دم شاهزاده فرمانفرم

شاهزاده فرمانفرما به وسیله یکی از محارم خود پیغام می‌دهد که به آقای مدرس بگویند این قدر پا روی دم من نگذارد. وقتی این پیغام به مدرس می‌رسد می‌گوید: «به شاهزاده بگویید، مدرس گفت من هر جا پا بگذارم، دم حضرت والا است؛ مرا در این میان تقصیری نیست.»

نایب مردم

مدرس همان طور که در عرصه بینش به حاکمیت ملت اعتقاد داشت، در عرصه منش و زندگی عملی نیز به آن پای بند بود. روزی یکی از پیروان و دوستداران مدرس که مردی محترم بود، در مجالس و محافل گفته بود که من خواب دیدم و اعتقاد دارم مدرس نایب امام زمان (عج) است. سخنان او به گوش مدرس رسید. دستور داد او را احضار کردند و بدون مقدمه به او گفت: «چرا حرفی می‌زنی که اثبات آن مشکل است. به جای این که بگویی مدرس نایب امام زمان است، بگو مدرس نایب مردم است که هم دلایل کافی برای اثبات آن داشته باشی و هم سخنی به جا و درست باشد.»

مجلس، خانه ملت

مدرس در استیضاحی که قرار بود از سوی نمایندگان اقلیت از رضاخان صورت گیرد، در اعتراض به مبهم گویی و کلی گویی‌های نمایندگان که احتمالاً از ترس آنان از رضاخان سرچشمه می‌گرفت، گفت: «مگر شما ضعف نفس دارید. این حرف‌ها را می‌زنید و در پرده سخن می‌گویید. ما بر هر کسی قدرت داریم. از رضاخان هم هیچ ترسی نداریم. ما قدرت داریم پادشاه عزل کنیم، سؤال کنیم، استیضاح کنیم.»

سوغات برای رضاشاه

پس از بازگشت مدرس از اصفهان، رضا شاه به او گفت: برای ما چه سوغات آورده‌ای؟ پاسخ داد: سوغات خوبی برای شما آورده‌ام، می‌ترسم قدر آن را ندانید. سوغات من این است که بیشتر اجزای دولت به نام شما، مردم را می‌چاپند و اذیت می‌کنند. با خود گفتم: این مطلب را به شما بگویم تا بدانید و در رفع آن کوشا باشید. اگر نصیحت مرا بشنوید، بهترین سوغات برای شماست. چو نرمی کنی خصم گردد دلیر



مسجد حسین (ع) / دب

◀ گزارشی از آئین افتتاحیه مدرسه قرآن و عترت در مسجد امام حسین (علیه السلام) / دب

حسین (علیه السلام) برگزار می شود. عناوین کلاس های مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) عبارتند از: آموزه هایی از قرآن کریم، تاریخ اسلام، اخلاق، ستارگان درخشان آسمان ولایت، حفظ قرآن کریم، احکام و اعتقادات و نیز فعالیت های فوق برنامه همچون کامپیوتر، کمک های اولیه و نقاشی. دانش آموزان مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) در نماز جماعت ظهر و عصر شرکت نموده و سرانجام در کلاس احکام و اخلاق حضرت آیت الله مدنی حضور می یابند. پذیرایی در دو نوبت میان وعده و ناهار از دیگر برنامه های مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) است که برای آنان تدارک دیده شده است. دانش آموزان و معلمان محترم مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) از اردوهای متنوع فرهنگی تفریحی برخوردار شده و برگزیدگان کلاس ها با اخذ جوایز مورد تشویق قرار می گیرند. اولیاء محترم برای ثبت نام فرزندان خویش در مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) به مسجد امام حسین (علیه السلام) واحد کودکان یا کتابخانه مراجعه نمایند.

در روزشنبه مورخ ششم مهر ماه سال نود و دو آئین افتتاحیه مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) با شرکت دانش آموزان قرآنی و اولیاء ایشان برگزار گردید. بدین ترتیب کلاس های این مدرسه بطور رسمی گشایش یافته و با بهره گیری از تجربیات سال گذشته و بهره مندی از اساتید مجرب زیر نظر شورای علمی مسجد با رویکرد تربیت دینی در خدمت دانش آموزان قرآنی خواهد بود. در این محفل نورانی پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط قاری محترم جناب آقای عباسی به اجرای برنامه پرداختند. در ادامه حضرت آیت الله مدنی ضمن بیاناتی خطاب به اولیاء محترم نسبت به پیگیری ارتباط و راهیابی فرزندان شان به محافل و مجالس قرآنی و دینی و انس و الفت با آموزه های قرآنی و سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) فراخوانده و مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) را بعنوان مرکزی شایسته برای این ضرورت معرفی نمودند. خاطر نشان می سازد کلاس های مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) متناسب با رده های متفاوت سنی و بصورت مجزا برای دختران و پسران و روزهای شنبه هر هفته از ساعت ۹:۳۰ الی ۱۴:۳۰ در مسجد امام



◀ مسجد امام حسین (ع) / دب / مهرماه ۱۳۹۲



◀ مسجد امام حسین (ع) / دب / مهرماه ۱۳۹۲



◀ مسجد امام حسین (ع) / دب / مهرماه ۱۳۹۲

همایش شیر خواران حسینی در مسجد امام حسین (ع) دبی

مراسم با سخنرانی حجه الاسلام غزالی روحانی مدعو از قم آغاز شد و حجه الاسلام غزالی به بیان مطالبیدر باب خانواده به سخنرانی پرداخت. بعد از آن ذاکر اهل بیت حاج احمد نیکبختیان با نوای «یا علی اصغر حسین(ع)» به ذکر مصیبت پرداخت و مادران در حالی که شیرخوارگان خود را در دستان بلند کرده بودند، همراه با آه و ناله لبیک «یا صاحب الزمان» سر دادند.

در پایان مراسم در حالی فریاد «یا حسین» مادران فضای نمایندگی مقام معظم رهبری در امارات را پر کرده بود، گهواره علی اصغر(ع) را مشایعت کردند و بر سر و سینه خود می زدند.

اینجا دیگر اباعبدالله(ع) و حضرت زینب(س) تنها نیستند. پدران و مادران زیادی در دبی جمع شده اند تا کودکانشان را نذر راه خدا و «بنفسی انت و اهلی و مالی» کنند. اینجا همه یک «علی اصغر» دارند که می خواهند فریاد بزنند اگر تیر سه شعبه حمله بر گلوی شش ماهه حسین(ع) نشست، اکنون و بعد از حدود ۱۴۰۰ سال، میلیون ها علی اصغر پیرو راه و منش عاشورا هستند

همزمان با دو هزار و ۷۰۰ نقطه در ایران و جهان، در اولین جمعه از ماه محرم، اجتماع پر شور و بزرگ شیرخوارگان حسینی (ع) در مسجد امام حسین (ع) دبی نیز برگزار شد.

یازدهمین همایش شیرخوارگان حسینی در صبح نخستین جمعه ماه محرم سال ۱۴۳۵ هجری در چهارمین روز از ماه عزای حسینی(۱۷ آبان ماه) برگزار شد.

در این همایش هزاران تن از مادران دلسوخته با پوشاندن لباس های متحدالشکل بر تن کودکان شیرخوارشان، آنان را در آغوش گرفته و به مراسم عزاداری شهید شش ماهه کربلا آوردند تا در غم مادر علی اصغر(ع) بانو رباب(س) شریک شوند.

این همایش با یاد حضرت علی اصغر (ع) کوچکترین شهید کربلا و با هدف تکریم حماسه شیرخوار شهید اهل بیت (ع) به عنوان بزرگترین سند مظلومیت امام حسین(ع) با حضور پرشور مادران دلسوخته برگزار شد. کودکان سبزپوش با پیشانی بند «یا صاحب الزمان» با حضور در مسجد در آغوش مادران، حزن و اندوه مجلس را دو چندان و مصیبت شهادت کوچکترین شهید کربلا را تازه کردند.



مسجد امام حسین(ع) / دبی / آبان ۱۳۹۲



مسجد امام حسین(ع) / دبی / آبان ۱۳۹۲



مسجد امام حسین(ع) / دبی / آبان ۱۳۹۲

اسلام آوردن به برکت جذبه حسینی

آنگاه که نسیم حسین(علیه السلام) وزیدن گیرد غبارها را از فطرت های پاک می زداید و نور الهی صفحه های قلب آگاهان را نورانی می نماید. با گذشت سه روز از عاشورای حسینی(علیه السلام) دو نفر از اتباع کشورهای بیگانه با توحید، به مسجد امام حسین (علیه السلام) پناه آوردند تا به برکت نهضت خونین حسینی(علیه السلام) دل و جان خود را با اسلام آشنا کنند. در این جلسه آیت الله مدنی بعد از خوش آمدگویی به این برادر و خواهر اصول اساسی اسلام را توضیح دادند و پس از قبول آن ها، هر دو کلمه شهادتین را به زبان جاری نمودند. برای ایشان ثبات و پای فشاری در دین را از خدا مسئلت داریم.



مسجد امام حسین(ع) / دبی / آبان ۱۳۹۲



مسجد امام حسین(ع) / دبی / آبان ۱۳۹۲



مسجد امام حسین(ع) / دبی / آبان ۱۳۹۲

◀ خبر اجمالی از محرم الحرام سال ۱۳۹۲

حرم کریمه اهل بیت (علیها السلام) را برای عزاداران حسینی به ارمغان آورده بود در باب تحلیل قیام حسینی (علیه السلام) به سخنرانی پرداخت. شب‌های پنجم، ششم و هفتم نماینده مقام معظم رهبری در امارات، خود عهده دار سکان خطابه شد و به اهمیت و شرح زیارت با عظمت عاشورا پرداختند که متأسفانه این شرح ناقص ماند برای فرصتی دیگر. شب هشتم تا شام غریبان روحانی مدعو از تهران جناب حجت الاسلام و المسلمین حاتم پوری به مدح و منقبت سالار شهیدان (علیه السلام) دل‌ها را جلا بخشید. در تمامی جلسات بعد از منبر، مداح اهل بیت (علیهم السلام) آقای احمد نیکبختیان فیض را اتمام می‌کردند و دقایقی را عزاداران به یاد درد داغ‌ها سینه می‌زدند. هر شب بعد از اتمام مراسم جمیع عزاداران میهمان سفره پر برکت امام حسین (ع) بودند و از برکت حسینی استفاده می‌کردند.

بار دیگر با وقوف کاروان حسینی در کربلا دل‌های مومنین به لرزه درآمد و در پاسخ به ندای «هل من ناصر» حسینی در جلسات ذکر منقبت و ارتقاء دانش و افزایش محبت خاندان پاک نبوی (علیهم السلام) در مسجد امام حسین (علیه السلام) دبی گرد هم آمدند. مسجد امام حسین (علیه السلام) نیز که شبستانی از روضه بهشتی است یکپارچه سیاه پوش و غرق در ماتم شد. هر روز بعد از اقامه نماز صبح با دم «ای سمت نوکریت عزت و فخر همه» عاشقان بر درخیم حسینی اعلام حضور کرده و سپس زیارت عاشورا را زمزمه می‌کردند. سپس حجت الاسلام و المسلمین کوهستانی وظایف منتظران امام زمان (عج) در زمان غیبت ایشان را به حضار گوشزد می‌نمود. در دو شب اول ماه حجت الاسلام و المسلمین حبیبی در عظمت امام حسین (ع) و امر به معروف به عنوان یکی از اهداف قیام حسینی به ایراد سخن پرداخت. شب سوم و چهارم حجت الاسلام و المسلمین طباطبایی که رایحه خوش



◀ مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



◀ مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



◀ مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲

◀ مراسم محرم مسجد امام حسین (ع) / دبی واحد خواهران

۱. سیاه پوش کردن فضای مسجد و واحد خواهران.
۲. برگزاری مراسم عزاداری به مدت ۱۰ روز از تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ الی ۱۳۹۲/۸/۲۴ در ساعت ۱۶ الی اذان مغرب.
۳. دعوت از سخنران در این مجالس.
۴. دعوت از مداحان اهل بیت و خواندن زیارت عاشورا در هر روز.
۵. جمع آوری نذورات.
۶. برگزاری دوره جدید ختم قرآن به نیت سلامتی حضرت بقیه الله الاعظم با شرکت صد و بیست نفر از داوطلبین که با حضور بیش از حد تصور به دوره افزایش یافت شروع قرائت از روز دهم محرم الحرام خواهد بود.
۷. برگزاری مراسم همایش شیرخوارگان حسینی همزمان با بقیه مراکز فرهنگی در دنیا در روز جمعه مورخ ۱۶ آبان ماه ۱۳۹۲.
۸. پذیرایی از عزاداران حسینی.

۱. سیاه پوش کردن فضای مسجد و واحد خواهران.
۲. برگزاری مراسم عزاداری به مدت ۱۰ روز از تاریخ ۱۳۹۲/۸/۱۴ الی ۱۳۹۲/۸/۲۴ در ساعت ۱۶ الی اذان مغرب.
۳. دعوت از سخنران در این مجالس.
۴. دعوت از مداحان اهل بیت و خواندن زیارت عاشورا در هر روز.
۵. جمع آوری نذورات.
۶. برگزاری دوره جدید ختم قرآن به نیت سلامتی حضرت بقیه الله الاعظم با شرکت صد و بیست نفر از داوطلبین که با حضور بیش از حد تصور به دوره افزایش یافت شروع قرائت از روز دهم محرم الحرام خواهد بود.
۷. برگزاری مراسم همایش شیرخوارگان حسینی همزمان با بقیه مراکز فرهنگی در دنیا در روز جمعه مورخ ۱۶ آبان ماه ۱۳۹۲.
۸. پذیرایی از عزاداران حسینی.



◀ مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



◀ مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



◀ مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲

معرفی کتابخانه مسجد

کتابخانه مسجد از جمله واحدهای فعال این مجموعه فرهنگی اسلامی است که با بهره مندی از حدود ده هزار عنوان کتاب در پنجاه و سه موضوع متنوع، مجموعه ای غنی در قالب بیش از چهارده هزار جلد کتاب را در معرض استفاده مراجعه کنندگان قرار داده است.

مراجعه به کتابخانه که از ملیت‌های گوناگون و با گویش‌های متفاوت می‌باشند. امکان استفاده از کتاب‌های موجود در کتابخانه را با چهار زبان انگلیسی، عربی، فارسی و اردو داشته و کتاب‌های موجود در کتابخانه به چهار زبان مذکور بصورت مدون و در قفسه‌های معین در دسترس آنان می‌باشد.

تنوع عناوین کتاب‌های موجود در کتابخانه مسجد بگونه‌ای است که پاسخگوی نیازهای سلاقی مختلف و رده‌های متفاوت سنی بوده و تقریباً می‌توان اذعان نمود که هیچ مراجعه کننده‌ای از این واحد کتابخانه‌ای خارج نمی‌شود مگر اینکه کتاب درخواستی خود را به رسم امانت دریافت می‌نماید.

فضای مطبوع و آراسته به جلوه‌های معرفت دینی در کتابخانه با زیربنای حدود صد مترمربع و مجهز به قفسه‌های مجهز ریلی که جهت آسان سازی دسترسی به کتب تعبیه گردیده است بصورت منظم و مملو از کتاب‌های موجود نظر هر مراجعه کننده‌ای را به خود جلب نموده و اشتیاق اهل علم را به مؤانست بیشتر با کتاب و کتابخوانی تحریک می‌نماید.

محیط کتابخانه که مجهز به میز مطالعه و امکانات رایانه‌ای می‌باشد امکان استفاده از کتاب‌های موجود و کتابخانه الکترونیک را برای مشتاقان دانش پژوه فراهم آورده و می‌توان ادعا نمود تمامی نیازهای علمی، تحقیقاتی اهالی علم و دانش در این فضای معنوی قابل دسترسی و استفاده می‌باشد. وجود نرم افزارهای اسلامی و کامپیوترهای قابل استفاده، امکان دستیابی به سایت نور و استفاده از مجلات مربوط به آن‌ها امکان ارتباط با کتاب خانه برخی دانشگاه‌های معتبر بدون نیاز به حق اشتراک، اعتماد هر مراجعه کننده‌ای را در امکان دستیابی به نیازهای علمی خود جلب می‌نماید.

بدین ترتیب مراجعه کنندگان به کتابخانه علاوه بر دریافت کتاب مورد نیاز خویش به رسم امانت خواهند توانست از محیط سرشار و فضای علمی کتابخانه برای قرائت کتاب و اخذ مشاوره‌های علمی نیز استفاده نمایند. وجود گنجینه گران بهایی از کتب خطی در این کتابخانه باعث گردیده تا مدیریت مجموعه راهکاری مناسب و قابل اطمینان را جهت نمایش آن در معرض علاقه‌مندان در برنامه کاری خویش منظور نماید.

بدیهی است اقدام به این مهم مستلزم مراعات جنبه‌های متعدد از جمله لزوم حراست فیزیکی آنها از مفسده فرسودگی و استفاده از فن آوری نوین در امر نگهداری است که با اعمال این شیوه‌های گریز ناپذیر و بایسته اعتماد مراجعین و مخاطبین به توسعه مجموعه مزبور از طریق اهدای نمونه‌های موجود در کنج عزلت صندوقچه‌های دوست داران کتاب جلب خواهد گردید و با جمع آوری نسخ پراکنده ایشان مجموعه گردآوری شده را زینت کتابخانه و مسجد ایرانیان سازد.

آنانیکه درعین علاقه شدید و تعلق خاطر به دست نبشته‌های کهن و نسخ خطی خویش به دنبال راهکاری مناسب جهت تزیین مجلدات خطی خود به زینت ماندگاری آنهم در فضای مقدس و قابل اعتماد مسجد هستند و نگهداری امین در این وادی را جستجو می‌نمایند.

و برآستی کدامین بدیل و نمونه می‌تواند جایگزین کتابخانه مسجد برای این امر خطیر شود که بتواند چنین امانت سترگ را در معرض و منظر آیندگان گذارده و تاریخ پر افتخار آنان را به عنصر جاودانگی زمین سازد. بنابر این کتابخانه مسجد آمادگی دارد ضمن دریافت کتاب‌های مفید اهدایی مراجعین امانت‌های گران‌بهای خطی آنان را نیز به نحو مطلوب مدیریت نموده و بنام خود اهدا کننده ثبت و نگهداری نماید.

خداوند متعال را به پاس این لطف و عنایت ستایش نموده و با اقدام عملی خویش در استفاده بهینه از فضای کتابخانه و سفارش دیگران به مؤانست با محیط مسجد و کتابخانه به ترویج فرهنگ دینی و تولید علم ادای دین نماییم.



کتابخانه مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



کتابخانه مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



کتابخانه مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



کتابخانه مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



کتابخانه مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲



کتابخانه مسجد امام حسین (ع) / دبی / مهرماه ۱۳۹۲

نسبت طلایی عدد طلایی

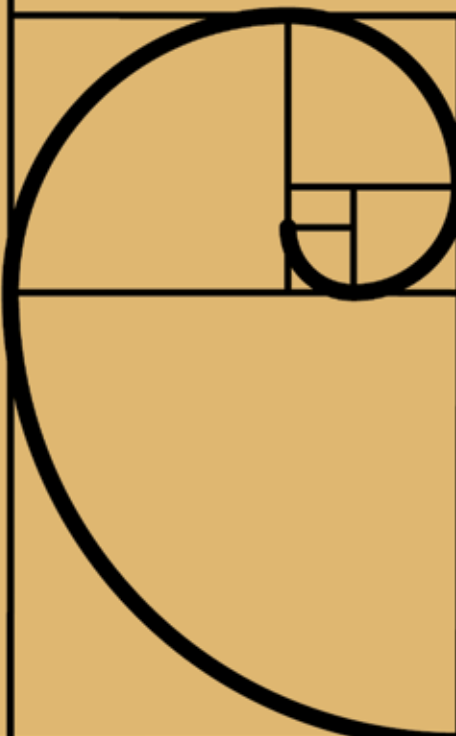


نسبت طلایی یکی از زیبایی‌های دنیای ریاضی است که رد آن را در جای‌جای طبیعت می‌توان مشاهده کرد، از نسبت طول اندام‌های انسان گرفته تا چشم‌نوازترین آثار معماری و حتی رشد مارپیچ دانه‌های گل آفتابگردان. نسبت طلایی، عددی غیرگویا (گنگ) است که با حرف یونانی فی نمایش داده می‌شود. مقدار دقیق آن از رابطه $\phi = \frac{1+\sqrt{5}}{2}$ بدست می‌آید که حدود ۱.۶۱۸۰۳۳۹۸۸۷۴۹۸۹۴۸۴۸۱۲۹۴۵۸۶۸۱۳۴ است. بسیاری از هنرمندان معتقدند شکل‌هایی که در آن‌ها نسبت طلایی رعایت شده است، چشم‌نوازترین شکل‌های ممکن را تشکیل می‌دهند.

نسبت طلایی در ریاضیات و هنر هنگامی است که «نسبت بخش بزرگتر به بخش کوچکتر، برابر با نسبت کل به بخش بزرگتر باشد.» تعریف دیگر نسبت طلایی این است که «عددی مثبت است که اگر به آن یک واحد اضافه کنیم به مربع آن خواهیم رسید.» تعریف هندسی آن چنین است: طول مستطیلی به مساحت واحد که عرض آن یک واحد کمتر از طولش باشد. بسیاری از مراجع علمی، حرف یونانی (φ) phi را برای این عدد انتخاب کرده‌اند.

پیشینه

پیشینه توجه به عدد طلایی نه به زمان فیوناچی بلکه به زمان‌های بسیار دورتر می‌رسد. اقلیدس در جلد ششم از سیزده جلد کتاب مشهور خود که در آنها هندسه اقلیدسی را بنا نهاد، این نسبت را مطرح کرده‌است. لوکا پاچیولی در سال ۱۵۰۹ میلادی کتابی با عنوان نسبت الهی (The Divine Proportion) تألیف کرد. وی در آن نقاشی‌هایی از لئوناردو داوینچی آورده است که پنج جسم افلاطونی را نمایش می‌دهند و در آنها نیز به این نسبت اشاره شده است. مصریان، سالها قبل از میلاد از این نسبت آگاه بوده‌اند و آن را در ساخت اهرام مصر رعایت کرده‌اند. بسیاری از الگوهای طبیعی در بدن انسان این نسبت را دارا هستند. نسبت طول ضلع پنج پر منتظم به طول ضلع پنج ضلعی منتظم برابر همین عدد است. اهرام مصر یکی از قدیمی‌ترین ساخته‌های بشری است که در آن هندسه و ریاضیات بکار رفته شده است. مجموعه اهرام Giza در مصر که قدمت آنها به بیش از ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد یکی از شاهکارهای بشری است که در آن نسبت طلایی بکار رفته است. روانشناسان هم بر این باورند زیباترین مستطیل به دید انسان، مستطیلی است که نسبت طول به عرض آن برابر عدد طلایی باشد. لئوناردو داوینچی اولین کسی بود که نسبت دقیق استخوان‌های انسان را اندازه‌گیری نمود و ثابت کرد که این تناسب با ضریب عدد طلایی هستند و در ترسیم نقاشی معروف خود از بدن انسان از نسبت طلایی بهره گرفت. کپلر (Johannes Kepler ۱۵۷۱-۱۶۳۰) منجم معروف نیز علاقه بسیاری به نسبت طلایی داشت بگونه‌ای که در یکی از کتاب‌های خود اینگونه نوشت: «هندسه دارای دو گنج بسیار با اهمیت می‌باشد که یکی از آنها قضیه فیثاغورث و دومی رابطه تقسیم یک پاره خط با نسبت طلایی می‌باشد. اولین گنج را می‌توان به طلا و دومی را به جواهر تشبیه کرد.» تحقیقاتی که کپلر راجع به مثلثی که اضلاع آن به نسبت اضلاع مثلث مصری باشد به حدی بود که امروزه این مثلث به مثلث کپلر نیز معروف می‌باشد.



Fibonacci



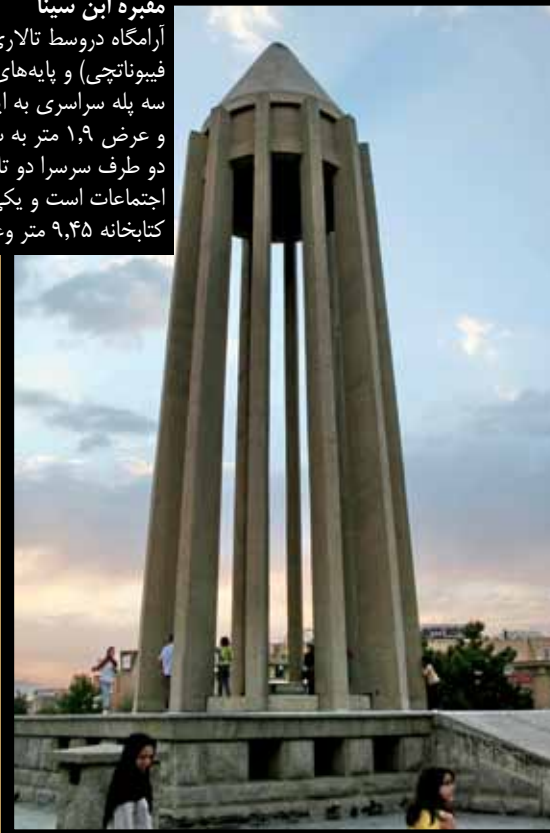
برج و میدان آزادی
طول بنا ۶۳ و
عرض آن ۴۲ است
که $۶۳ = ۱.۵ \times ۴۲$
و به عدد طلایی
نزدیک می‌باشد
سیک معماری آن
نیز طاق بزرگی است
که تلفیقی از سیک
هخامنشی و ساسانی
است که منحنی
آن با الهام از طاق
کسری معماری ایران
باستان را تداعی
می‌نماید.

بیستون از دوره هخامنشی
به طول ۵ کیلومتر و عرض ۳
کیلومتر است. اعداد ۵ و ۳ هر دو جزو
اعداد فیبوناتچی هستند و $۵:۳=۱.۶$
و ابعاد برجسته کاری ۱۸ در ۱۰
پاست که قامت "داریوش ۵" پا و ۸
اینچ (۱۷۰ سانتیمتر) بلندی دارد که
هر دو اعداد فیبوناتچی هستند.



مقبره ابن سینا

آرامگاه در وسط تالاری مربع شکل قرار گرفته که پله مدور (مارپیچ
فیبوناتچی) و پایه‌های دوازده گانه برج را احاطه کرده اند. سطح حیاط با
سه پله سراسری به ایوان متصل است. ایوان یا دری به ارتفاع ۳.۲ متر
و عرض ۱.۹ متر به سرسرای آرامگاه متصل است ($۱.۹=۱.۶ \times ۱.۲$) در
دو طرف سرسرا دو تالار قرار دارد یکی در جنوب که تالار سخنرانی و
اجتماعات است و یکی در شمال که کتابخانه آرامگاه است. طول تالار
کتابخانه ۹.۴۵ متر و عرض آن ۵.۷۵ متر است ($۵.۷۵=۱.۶ \times ۳.۶$)



ارگ بام
این بنا ۳۰۰ متر طول و ۲۰۰ متر عرض
داشته و از ۲ قسمت تشکیل شده است. این
دژ ۵ شیوه ساختاری از خشت خام دارد.
(۳ و ۲ و ۵ اعداد دنباله فیبوناتچی هستند)

میدان نقش جهان و مسجد لطف الله
در کتب اخیر، نویسنده جیسون الیوت بر این باور است که
نسبت طلایی توسط طراحان میدان نقش جهان و در مجاورت
مسجد لطف الله مورد استفاده قرار گرفته است.



پژوهش

امام علی علیه السلام
لَا عَمَلَ كَالْتَحْقِيقِ / هیچ کرداری مانند پژوهش نیست.
غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۴۸۳

در نویسندگی با موضوعات گوناگونی رو به رو هستیم: تعریف نویسندگی؛ ارزش و اهمیت نویسندگی؛ آثار و فواید نویسندگی؛ اهداف نویسندگی؛ کلیات نویسندگی؛ مقدمات نویسندگی؛ اقسام نویسندگی؛ شرایط نویسنده و نویسندگی؛ مراحل نویسندگی. هر کدام از این موضوعات، دارای قلمرو گسترده و عرصه پهناوری است و به تعبیر مولوی در مثنوی:

این سخن را ترجمه‌ی پهناوری گفته آید در مقام دیگری

مراحل نویسندگی عبارت است از: پژوهش؛ نگارش؛ ویرایش.

نکاتی درباره آیین پژوهش

۱. در تحقیقات و تألیفات مان به هیچ وجه بر گفته‌ها و شنیده‌ها هر چند مشهور و از انسان‌های مشهور نیز باشند تکیه نکنیم، مگر آن که خودمان آن‌ها را در منابع قابل اعتبار و قابل استناد ببینیم و بیابیم تا پیام این حدیث شامل حال ما نشود: «...لَا تُحَدِّثُ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ فَكُفَى بِذَلِكَ كَذِبًا.» «هر چه را شنیده‌ای به مردم نگو؛ زیرا همین کار برای دروغ شمردن آن شنیده از سوی مردم بس است.» باز مراجعه به کتاب ارزشمند «صحیفه‌ی امام» در صفحه ۱۸۱ از جلد ششم «صحیفه‌ی امام» این جمله به «یاسر عرفات» - رئیس سابق جنبش فتح - منتسب دانسته شده و این گونه ذکر شده است که وی در اوایل انقلاب اسلامی به ایران آمده و به محضر حضرت امام رسیده و رسیده و شخص عرفات در خلال صحبت‌هایش در دیدار امام (ره) درباره انقلاب اسلامی ایران، به ایشان عرض کرده است: «آنها (دشمنان انقلاب اسلامی ایران) می‌گویند: زلزله‌ای رخ داده، ما می‌گوییم که انفجار نوروری داده است.» جالب است «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)» در پاورقی همین صفحه ۱۸۱، از جلد ششم «صحیفه‌ی امام» نیز به بروز این غلط مشهور اشاره می‌نماید و

در توضیح می‌نویسد: «عبارت «انقلاب ما انفجار نور بود» که غالباً در شعارها استفاده می‌شود، برگرفته از اظهارات فوق می‌باشد که به اشتباه به عنوان سخن امام خمینی تلقی شده است.»

۲. آن چه را در تحقیقات و تألیفات، برای خودمان واضح و مفهوم نشده است، برای دیگران توضیح ندهیم و به دیگران تفهیم نکنیم و حتی از ذکر آن نیز پرهیزیم و عطایش را به لقایش ببخشیم؛ زیرا ممکن است آثار نامطلوب و نامقبول و حتی نامشروعی را در پی داشته باشد.

۳. بکشیم که فضای تحقیقات و تألیفات مان را حقیقتاً از اکسیژن تحقیق و تألیف به معنای درست و فراگیر آن و با همه ویژگی‌هایش پُر سازیم و با گاز کربنیک‌هایی هم چون «تحقیق بازی» و «تألیف سازی» آلوده نکنیم و مانند معماران بساز و بفروش، ما نیز «مؤلفان بچاپ و بفروش» نشویم. مولوی در مثنوی چه در سفته است که گفته است:

علم تقلیدی بُود بهر فروخت

چون بیابد مشتری، خوش برفروخت

مشتری علم تحقیقی حق است

دائماً بازار او بارونق است

لب بیسته مست در بیع و شری

مشتری بی حد که الله اشتری

شایان توجه است این نکته مهم را در داوروی‌های خصوصی و یا عمومی مان، مانند انتخاب کتاب سال، به خاطر داشته باشیم که همواره پُربریگی یک تحقیق و پُرفروشی یک تألیف به معنای پُرباری آن و پُرفروغی این نیست و حتی پُرعنوانی فهرست منابع تا چه رسد به پُرعنوانی فهرست مطالب و فهرست تألیفات نیز همواره به معنای پُرمایگی و پُراندیشگی آن نیست.

۴. بکشیم که روحیه «نگرش تحقیقی» و «نگارش تحلیلی» را در خود زنده کنیم و روز به روز آن را بالنده‌تر نماییم. برای به دست آوردن چنین روحیه‌ای می‌توانیم این کارها را انجام دهیم:

■ مطالعه کتاب‌ها و منابعی که با نگرشی تحقیقی و نگارشی تحلیلی نوشته شده‌اند. از این رو، محقق کسی است که در تحقیقات خویش به کتاب‌ها و منابع

دست چندم و حتی گاه به کتاب‌ها و منابع دست دوم نیز مراجعه نمی‌کند. مثلاً یکی از محققان می‌گفت: «من در تحقیقاتم حتی به کتاب شریف بحارالانوار نیز استناد نمی‌کنم، بلکه به مصادر و مأخذ اولیه‌ای که محدث بزرگ و بزرگوار شیعه، مرحوم علامه مجلسی اعلی‌الله مقامه الشریف، خود به آن‌ها استناد کرده است، مراجعه می‌نمایم و اصل حدیث را در آن جا می‌یابم و سپس با رعایت شروطش به آن استناد می‌کنم».

■ در زندگی علمی، هم‌نشین شدن و نشست و برخاست کردن با کسانی که در مسائل فکری و علمی به صورت تحقیقی می‌نگرند و به صورت تحلیلی می‌نگارند. از این جهت، محقق کسی است که در زندگی علمی خویش، با کسانی که در اندیشه و اندیشیدن «مقلد» هستند، نمی‌نشیند تا چه رسد به این که با آنان هم نشین شود. مولوی در مثنوی چه خوش سروده است:

از محقق تا مقلد فرق هاست
کاین چو داوود است و آن دیگر صداست
منبع گفتار این سوزی بود
وان مقلد، کهنه آموزی بود

■ مطالعه زندگی و شیوه علمی کسانی که مقلدانه نمی‌اندیشیده‌اند و محققانه می‌نوشته‌اند. بدین رو، زندگی و روش علمی علامه امینی، علامه طباطبایی، علامه مطهری و علامه جعفری رضوان الله علیهم اجمعین می‌تواند الگویی پسندیده در این زمینه‌ها باشد. یا مثلاً گفته‌اند: «یکی از محققان می‌خواستند که در کتاب دایرة المعارف خویش، مترژ پل قدیمی و سمبلیک اهواز را بنویسد. بدین منظور، هیئتی را از تهران به اهواز می‌فرستد تا دقیقاً مترژ آن را محاسبه نمایند و آن گاه در دایرة المعارف خود بنگارد».

■ حضور داشتن در جلسات و شرکت کردن در مجالس علمی‌ای که با نگرشی تحقیقی و تحلیلی تشکیل می‌شود. بدین جهت، محقق کسی است که در زندگی علمی‌اش، به جلسات و مجالس غیر علمی و جلسات و یا مجالسی که عنوان علمی دارد، اما روشی غیر تحقیقی و غیر تحلیلی نیز دارد، پا نمی‌گذارد. پُر روشن است که این سخنان و این پیشنهادها، موضوعات و مسائلی را که اساساً باید با روشی تقلیدی و نه تحقیقی به آن‌ها دست یافت، شامل نمی‌شود.

۵. در صورتی که هم بتوانیم و هم بایسیم، پژوهش‌های خویش را پس از نگارش نهایی و برای مطالعه و بازنگری و برخورداری از صحت و دقت بیش تر، دست کم به دو تن، با این دو دیدگاه و ویژگی بدهیم:

■ از دیدگاه نگارشی و با دو ویژگی دقت داشتن و وقت گذاشتن. البته چه شایسته است اگر نگوییم بایسته است هدیه‌ای نیز برای انجام دادن این دو کار، برای این دو بزرگوار اَدَامَ اللهُ ظِلَّهُما در نظر بگیریم و یا به گونه‌ای دیگر و بهتر، این زحمت و خدمت آنان را جبران نماییم و در هر دو صورت، آیه ۶۱ سوره مؤمنون، یعنی «وَلَوْلَاكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»، را فراموش نکنیم. چه خوش گفته‌اند: «آش از دهان که افتاد، از مزه خواهد افتاد».

۶. در تحقیقات و تألیفات خود و متناسب با مطالب و مخاطبان آن، از مواد و مطالب زیر به عنوان استناد و یا استشهد استفاده نماییم: آیات قرآن؛ روایات معصومان(ع)؛ اصول منطقی و قواعد عقلی؛ قوانین تجربی و نظریات علمی؛ نظریات و سخنان بزرگان دین و دانش؛ اشعار؛ داستان و خاطره؛ آمار و اخبار؛ تمثیلات و امثال و حکم؛ طنز و لطیفه.

۷. اگر در تحقیقات و تألیفات خویش از شعر استفاده می‌نماییم، به این نکات ظریف و دقیق توجه کنیم:

■ هیچ گاه از شعر به عنوان دلیل و یا استناد سخن استفاده نمی‌نماییم، بلکه از آن به عنوان تأیید سخن و استشهد برای آن و گاه برای تغییر ذائقه خوانندگان نوشته خود بهره ببریم و اگر دیگران نیز در استفاده از شعر، به غیر گونه‌ای که گفته شد، عمل کردند، ما نیز آنان را مورد نقد قرار دهیم؛ زیرا کسی ممکن است در برخورد با دشمن و مدارا کردن با او به این شعر حافظ استناد کند:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروّت با دشمنان مدارا

شخص دیگری نیز ممکن است در برخورد با دشمن و مدارا نکردن با او به این شعر سعدی استناد نماید:

امروز بکش، چو می‌توان کُشت
کاتش چو بلند شد، جهان سوخت
مگذار که زه کند کمان را
دشمن که به تیر می‌توان دوخت

■ در انتساب شعر به شاعر دقت کنیم تا مثلاً بیت «موجیم که آسودگی ما عدم ماست / ما زنده به آنیم که آرام نگیریم» را که از کلیم کاشانی و از نظر ترتیب مصراع‌ها به صورت پیشین است، به اقبال لاهوری نسبت ندهیم. گفتنی است که این بیت در ترجیع بند ساقی نامه کلیم کاشانی است و مطلع بند پنجم آن بدین صورت است: «مستیم و عنان دل خودکام نگیریم/ تا جام بود عبرت از ایام نگیریم».

■ اشعار را از نظر کلمات و چینش، به طور درست بخوانیم و بنویسیم تا مثلاً این بیت مولوی در مثنوی راه یعنی «چون که با کودک سر و کارم فتاد/ هم زبان کودکی باید گشاد»، به صورت «چون که با کودک سر و کارت فتاد/ پس زبان کودکی باید گشاد» نخوانیم و ننویسیم.

■ اشعار را در تحقیقات و تألیفات مان به کار گیریم که از نظر وزن و قافیه معیوب نباشند. به طور نمونه، بیت «یار جسمانی بود رویش چو مرگ/ صحبتش شوم است باید کرد ترک» دارای عیب قافیه‌ای به نام اکفاء یا همان اختلاف روی است که در این بیت، حرف روی در آخر دو کلمه «مرگ» و «ترک» با یکدیگر مطابقت ندارد و یکی حرف «گ» و دیگری حرف «ک» است.

۸. چنان چه دوست داریم که تحقیقات و تألیفات مان با استقبال روز افزون خوانندگان و مخاطبان رو به رو شوند، از گفتن سخنان کلیشه‌ای و باسِمه‌ای و مطالب کهنه و نخ نما دوری کنیم و به گفتن سخنان تر و تازه و مطالب نو و با طراوت روی آوریم و خدا و کیلی حرفی برای گفتن داشته باشیم. کلیم کاشانی چه خوش گفته است:

گر متاع سخن، امروز کساد است «کلیم»
تازه کن طرز که در چشم خریدار آید

البته شمار فراوانی از ما اگر بنا بر احتیاط، نگوئیم همه ما همیشه بر این پندار و در این رؤیاییم که حرف‌های نو و تازه‌های زده‌ایم و می‌زنیم!

۹. اگر ما به این حقیقت روشن و ساده دست یازیم هر چند با تلقین به خویشتن هم باشد که «مادر زاد، محقق و مؤلف نبوده‌ایم» و همان گونه که برای فراگیری علوم و فنون دیگر و یادگیری «ضرب زید عمرا» وقت فراوانی را صرف و گاه تلف می‌نماییم، برای محقق و مؤلف شدن نیز باید وقت فراوانی را صرف کنیم، آن گاه پیش از آغاز هر تحقیق و پژوهشی و هر تألیف و نگارشی، به فراگیری دو فن و هنر مهم روی می‌آوریم: روش تحقیق و پژوهش؛ روش تألیف و نگارش.

۱۰. پیش از فراگیری دو روش پژوهش و نگارش و یا هم زمان با آن، باید روش‌هایی را نیز فرا بگیریم و آن گاه خواهیم دید که تحقیقات و تألیفات مان از صحت، دقت و سرعت بیش تری نیز برخوردار شده‌اند و چه زیبا گفته‌اند: «اگر به من روش ماهیگیری را یاد دهید، بهتر از آن است که هر روز به من یک ماهی بدهید» و آن روش‌ها عبارت است از: روش مطالعه و تندخوانی؛ روش تلخیص و خلاصه‌نویسی؛ روش فیش برداری و یادداشت برداری؛ روش تنظیم فیش‌ها و دسته‌بندی یادداشت‌ها؛ روش نقد و بازنگری مطالب و یادداشت‌ها؛ روش طبقه‌بندی کتاب‌ها و تنظیم کتابخانه؛ روش مآخذشناسی و کتابشناسی؛ روش ترجمه؛ روش کار با رایانه و استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای.

۱۱. با توجه به این که امام حسین(ع) فرموده‌اند: «... مِنْ دَلَاتِلِ الْعَالَمِ انْتِقَادُهُ لِجَدِيثِهِ...». «از نشانه‌های دانشور این است که خودش سخنان خویش را به نقد نکشد». هیچ پژوهشی را پیش از انجام دادن این دو کار مهم، به کسی یا جایی عرضه نکنیم:

بازنگری؛ بازنگاری. پس از انجام دادن این دو کار، باز هم پژوهش خود را عرضه نکنیم و این تجربه را آویزه گوش خویش قرار دهیم و به مدت حدود یک اربعین(چهل روز) از کار پژوهشی مان فاصله بگیریم که حافظ شیرین سخن گفته است:

سحرگه رهروی در سرزمینی

همی گفت این معما با قرینی
که ای صوفی! شراب آن که شود صاف
که در شیشه برآرد اربعینی

پس از سپری شدن این مدت، دوباره به سراغش برویم و آن را مطالعه نماییم و سپس به دیگران عرضه کنیم. اگر از این تجربه، بهره و یا بهره های علمی و تحقیقی و تألیفی جدیدی نصیب تان شد که این شاء الله خواهد شد، در حق گوینده این تجربه، دعای خیری نیز بفرمایید که سعدی گونه:

غرض نشی است کز ما باز ماند

که گیتی را نمی بینم بقایی

مگر صاحبدلی روزی به رحمت

کند در کار درویشان دعایی

۱۲. از آفت هایی که شماری از محققان و مراکز تحقیقاتی اگر نگوییم بسیاری از آن ها به آن دچار می شوند و گاه هم چون خوره به جان شان می افتد «پراکنده کاری» و «نیمه کاری» در تحقیقات است. یک روز در مجلسی که تنی چند از محققان حضور داشتند، همگی می گفتند و می نالیدند که چقدر تحقیقات پراکنده و نیمه کاره دارند. در این میان نیز، یکی از محققان را نام می بردند که تا یک تحقیق و تألیف خود را به پایان نرساند، به تحقیق و تألیف دیگری نمی پردازد. به همین جهت نیز بوده است که تاکنون حدود ۱۰۰ کتاب و مقاله را به نگارش در آورده است. بنابراین، از خدای خویش بخواهیم که به همه ما توفیق دهد تا بتوانیم به این حدیث ژرف و شگرف از امام صادق (ع) عمل کنیم: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَدْمُ عَلَيْهِ سَنَهُ ثُمَّ يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنَّ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ...» «هر گاه کسی در حال انجام دادن کاری است، تا یک سال آن را ادامه دهد و سپس اگر خواست، از آن کار دست کشد و به سراغ کار دیگری رود.»

۱۳. از آفت های برخی محققان و مراکز تحقیقاتی، نظم منطقی نداشتن در مطالب شان است و سوگمندانه باید گفت که گاه این بی نظمی تحقیقاتی را با عبارتهایی نامقبول و حتی گاه نامشروع هم چون «نظم ما در بی نظمی ماست» و «الكلامُ بجزءِ الكلام» توجیه می کنیم، در حالی که مولای مان، حضرت امیرمؤمنان علی (ع)، چه زیبا همه ما را سفارش می کند: «أوصيكمَا و جمع و ولدی و اهلی و من بلغه کتابی ببقوی الله و نظم امرکم...» «شما دو تن (امام حسن و امام حسین (ع)) و همه فرزندان و خاندانم و هر کسی را که نوشته من به دست او می رسد، به تقوای الهی و نظم در کارتان سفارش می کنم.» «أحسن الكلام ما زانه حسن النظام و فهمه الخاص و العام». «زیباترین سخن، آن است که ساختار زیبایش آن را آراسته کرده باشد و نخبگان و همگان آن را دریابند.» شاعر نیز چه زیبا گفته است:

بیار ای سخنگوی چابک سرای

بساط سخن را یکایک به جای

۱۴. چنان چه واقعاً پژوهنده و نویسنده ایم، فقط به فکر کیف و تلفن همراه نباشیم؛ بلکه به فکر قلم و کاغذ همراه نیز باشیم. اگر چه اغراق آمیز است، گفته اند: «هر کس قلم و کاغذ به همراه خود نداشته باشد، علم و حکمت در قلب او جای نخواهد گرفت». شایسته است این قلم و کاغذ از همان نوع قلم و کاغذی باشد که در تحقیقات و تألیفات مان از آن ها استفاده می نماییم تا یکسانی و یک دستی یادداشت ها از نظر جنس و رنگ قلم، و برگه های یادداشت از نظر اندازه، فاصله سطرها و حاشیه ها، عنوان گذاری، دسته بندی و مانند آن محفوظ بماند و پاکیزگی و زیبایی ویژه خود را از دست ندهد. گفتنی است اگر بخواهیم محکم کاری کنیم، بهتر است که این قلم و کاغذ را، هم در جیب، هم در کیف و هم در وسیله نقلیه خود نیز بگذاریم.

۱۵. از خدای سبحان بخواهیم که در تحقیقات و تألیفات مان، اگر «بود» مان بیش از «نمود» مان نیست، دست کم «نمود» مان بیش از «بود» مان نباشد. به گفته سعدی در کتاب بوستان:

به اندازه «بود» باید «نمود»

خجالت بُرد آن که نَمود و بود

که چون عاریت برکنند از سرش

نماید کهن جامه ای در برش

اگر کوتاهی، پای چوبین میند
که در چشم طفلان نمایی بلند
وگر نقره اندوده باشد نحاس
توان خرج کردن بر ناشناس
منه جان من آب زر بر پیشیز
که صرف دانا نگیرد به چیز
زراندودگان را به آتش بَرند
پدید آید آن که که مس یا زَرند

۱۶. پژوهش های خود را با قلم «سیاه» بنویسیم تا همان گونه که در روانشناسی رنگ ها گفته اند هم از رنگی باشخصیت و نیز رایج در چاپ اغلب کتاب ها استفاده کرده باشیم و هم پس از کپی کردن دستنوشته، با کم رنگی و یا ناخوانایی حروف و کلمات آن رو به رو نگردیم.

۱۷. تحقیق و تألیف خود را با خط خوش و یا دست کم با خط خوانا بنویسیم و اگر دارای خط خوش و یا خوانایی نیستیم، این کار را به شخص دیگری بسپاریم و یا چنان چه هزینه پاکنویس کردن با هزینه حروف چینی کردن آن تفاوت چندانی ندارد، تحقیق و تألیف خود را حروف چینی کنیم و سپس هزینه آن را از ناشر و جز آن دریافت نماییم؛ زیرا معمولاً ناشران، این هزینه ها را به ما پرداخت می کنند و حتی برخی از آنان، به جهت این که باری از مراحل چاپ کتاب را از دوش شان برداشته ایم، از ما سپاسگزاری و قدردانی نیز می نمایند. باید تأکید بورزیم ناخوانایی و ناپاکیزگی متن و دست نوشت، ممکن است باعث شود که ناشر بدون مطالعه دست نوشته مان نسبت به چاپ آن نظر منفی بدهد. پس به گفته درست و زیبایی یکی از نویسندگان گوش فرادهیم: «خوانایی و پاکیزگی متن دست نوشت، عامل چاپ آن نمی شود، اما مانع چاپ نشدن آن می گردد.»

۱۸. تلاش کنیم مطالب مان را روی برگه کلاسور بزرگ بنویسیم تا هر گاه که خواستیم، نسبتاً به آسانی بتوانیم از مطالب آن بکاهیم و یا بر آن بیفزاییم و آن ها را آسان تر کپی نماییم و حروف چین نیز بتواند در هنگام انجام دادن کار خود، به آسانی آن ها را جا به جا نماید.

۱۹. مطالب مان را با فاصله تقریبی دو سانتی متر بین سطرها و روی یک طرف برگه بنویسیم تا هم برای تجدید نظرهای احتمالی خودمان و اصلاحات قطعی ویراستار نوشته مان جای خالی گذاشته باشیم و هم حروف چین کتاب مان به راحتی و با غلط های کمتری، مطالب ما را حروف چینی نماید. توجه داشته باشیم که برگه های کلاسور چهار حلقه ای، دیرتر از برگه های دو حلقه ای کنده می شوند و از بین می روند؛ هر چند می دانیم که برجسب های حلقه ای شکلی برای جلوگیری از این کنده شدن، در فروشگاه های لوازم التحریر وجود دارد.

۲۰. اگر بر یک طرف برگه کاغذ، مطالب مان را می نویسیم، برای حاشیه بالا، پایین و سمت چپ صفحات دست نوشت خود، فاصله ای حدود دو سانتی متر و برای حاشیه سمت راست آن، فاصله ای حدود سه سانتی متر را در نظر بگیریم و آن را سفید و نانوخته باقی بگذاریم تا هم برای اصلاحات و اضافات خود و ویراستار، جای خالی داشته باشیم و هم حروف چین به راحتی و با غلط های کمتری بتواند دست نوشت ما را حروف چینی نماید. شایان گفتن است که بیشتر بودن فاصله یک سانتی متر در حاشیه سمت راست، برای جای منگنه و یا چسب و یا صحافی کردن شیرازه دست نوشته است و در صورتی که مطالب خود را بر پشت برگه دست نوشت نیز می نویسیم، برای حاشیه سمت راست آن، فاصله ای حدود دو سانتی متر و برای حاشیه سمت چپ آن، فاصله ای حدود سه سانتی متر را در نظر بگیریم و آن را سفید و نانوخته باقی بگذاریم.

۲۱. شماره صفحات دست نوشت را در انتهای سطر اول و به طور واضح و پُررنگ بنویسیم و در صورتی که مطالب مان را پشت برگه نیز می نویسیم، شماره صفحات پشت برگه را در ابتدای سطر اول بنگاریم.

۲۲. نوشتن هر مطلب جدیدی را از صفحه جدید آغاز کنیم و مطالب را پشت سر هم و به صورت طوماری بنویسیم تا چنان چه بعداً بخواهیم مطلب یا مطالبی را به دنبال و در ادامه مطالب قبلی اضافه نماییم، با مشکل کمبود جا برای آن رو به رو نگردیم.

۲۳. آغاز هر فصل یا بخش را با فاصله سفید از بالای صفحه آغاز کنیم تا هم



ایتالیک حروف چینی شده است.

■ پوینت قلم (Point size) که تعیین کننده اندازه قلم است، نظیر قلم با پوینت یا اندازه ۱۰ و قلم با پوینت یا اندازه ۱۴. مثلاً همین جملاتی که در حال مطالعه آن ها هستید، با قلم پوینت ۱۴ و جمله «یادگیری روش فیش برداری از ضروریات تحقیق و تألیف است» با قلم پوینت ۱۰ حروف چینی شده است.

■ حالت قلم که تعیین کننده نوع حالت عادی، اندیس بالا، اندیس پایین، کشیده و یا فشرده حروف و کلمات است. مثلاً حالت عادی کلمه «قلم» به همین صورتی بود که دیدید و حالت کشیدگی آن به صورت «قلم» با ۵۰٪ کشیدگی و حالت فشرده آن به صورت «قلم» با ۵۰٪ فشرده‌گی است.

■ چینش قلم که تعیین کننده نوع چینش تراشده، راست‌چین، وسط‌چین و چپ‌چین حروف و کلمات است. مثلاً نوع چینش راست‌چین، وسط‌چین و چپ‌چین در عبارت زیر نشان داده شده است: آیین پژوهش و نگارش (راست چین) آیین پژوهش و نگارش (وسط چین) آیین پژوهش و نگارش (چپ چین).

۲۶. بکوشیم که هر گونه اصلاحات و اضافات مربوط به متن دست نوشته‌مان را پیش از حروف چینی کردن انجام بدهیم؛ زیرا انجام دادن این کار پس از حروف چینی جز در موارد خاص باعث ناراحتی روانی حروف چینیان می‌شود، حتی اگر ما ناراحتی آنان را از نظر اقتصادی، با پرداخت حق‌الزحمه آن جبران کنیم.

۲۷. هنگامی که کتاب و پژوهش ما حروف چینی شد، برای غلط‌گیری و نمونه خوانی، نخست آن را به شخص دیگری که دارای چهار ویژگی زیر است بدهیم: آشنایی نسبی با محتوا و مطالب متن نمونه‌خوانی؛ آشنایی نسبی با نشانه‌های نمونه‌خوانی؛ برخورداری از دقت در هنگام نمونه‌خوانی؛ برخورداری از صبر و حوصله در هنگام نمونه‌خوانی. این که می‌گوییم نمونه‌خوانی کتاب مان را نخست به شخص دیگری بدهیم، بدین جهت است که چون خود ما با مطالب کتاب مان آشنا هستیم و این مطالب از قبل، در ذهن ما نقش بسته‌اند، همین موجب می‌گردد که برخی از کلمات، بدون این که از سوی ما غلط‌گیری شوند، از برابر چشم ما سریعاً عبور نمایند. دوم این که پس از غلط‌گیری آغازین از سوی دیگران، وقت ما هنگام غلط‌گیری مجدد، کم‌تر تلف خواهد شد.

۲۸. پس از حروف چینی، تحقیقات و تألیفات خویش را افزون بر شخص دیگری که گفته شد حتماً خودمان نیز غلط‌گیری کنیم و این کار را برای خود، کسر شأن ندانیم تا صحت تاپیی کارمان از ضریب اطمینان بالاتری برخوردار باشد و در این زمینه، به دیگران چندان اطمینان نداشته باشیم تا ناخواسته در دام غلط‌های خنده‌برانگیز قرار نگیریم و کتاب ما مانند آن کتاب‌هایی نشود که به جای عبارت «روش فیش برداری و دسته‌بندی مطالب» که به قلم این جانب نگاهشته شده بود این گونه حروف چینی کرده بودند: «روش فیش برداری و دسته‌بندی مطالب».

دست نوشت ما زیباتر شود و هم ویراستار و حروف چین و سپس خواننده بدانند که با فصل و بخش و مطالب جدیدی رو به رو شده‌اند.

۲۴. یکی از مشکلات پژوهندگان و نویسندگان، نوشتن پاورقی‌های مطالب شان است؛ زیرا فراوان پیش می‌آید که آنان چون به پایین صفحه دست نوشت خود می‌رسند، متوجه می‌شوند که پاورقی‌های آن صفحه را ننوشته و جای خالی برای آن نگذاشته‌اند و گاه نیز اصلاً فراموش می‌کنند که پاورقی‌ها را بنویسند و بعداً یادشان می‌آید که پاورقی فلان صفحه یا حتی صفحات را ننوشته‌اند. در راه را برای حل این مشکل پیشنهاد می‌کنیم:

■ با توجه به این که گفته شد پشت برگه دست نوشت را شایسته است سفید و نانوشته بگذاریم، می‌توانیم تمام پاورقی‌های هر صفحه را در پشت همان صفحه بنگاریم و به ناشر و حروف چین، این نکته را تذکر دهیم که پاورقی‌های هر صفحه در پشت همان صفحه است.

■ به هر جای متن دارای پاورقی که رسیدیم، در همان هنگام و از پایین صفحه به جهت بالای صفحه و به اندازه تعداد سطرهای هر پاورقی، در پایین صفحه دست نوشت خویش فاصله بگذاریم و این فاصله را با نشانه‌ای، مانند نقطه و خط تیره پُررنگ، برای خودمان مشخص نماییم و سپس نوشتن را ادامه دهیم تا به پاورقی دوم برسیم. در این هنگام نیز از محل نشانه پیشین و در جهت پایین به بالای صفحه و به تعداد سطرهای پاورقی دوم، فاصله می‌گذاریم و این فاصله را با نشانه‌ای معین می‌کنیم و به همین ترتیب، پاورقی‌های بعدی را دوباره با همان نشانه مشخص می‌نماییم. آن گاه و در هنگام نوشتن، به نخستین نشانه‌ای که رسیدیم، از نوشتن ادامه متن خودداری می‌ورزیم و نوشتن پاورقی‌ها را به ترتیب، آغاز می‌نماییم. پس از نوشتن پاورقی‌های آن صفحه به هر تعداد که باشند نوشتن ادامه متن را از صفحه بعدی آغاز می‌کنیم و پاورقی‌های صفحات بعدی را نیز به همین گونه‌ای که گفته شد، می‌نویسیم. امید است که دیگر با مشکلی به نام پاورقی نویسی رو به رو نشویم.

۲۵. اگر می‌خواهیم که متن حروف چینی شده کتاب مان از زیبایی و چشم‌نوازی پسندیده‌ای برخوردار باشد، خوب است با برخی از اصطلاحات تاپیی و مثلاً در برنامه «زرنگار» که در زیر آورده شده است، آشنا شویم:

■ نام قلم (Font) که تعیین کننده شکل اصلی قلم است، مانند قلم لوتوس، قلم میترا و قلم کامپیوست و نازنین. مثلاً همین کلماتی که در حال مطالعه آن‌ها هستید، با قلم نازنین حروف چینی شده است.

■ نماد یا سیاق قلم (Style) که تعیین کننده نمایش خاصی از یک قلم است، مانند قلم نازک، قلم سیاه، قلم ایرانیک (خمیده از راست به چپ)، قلم ایتالیک (خمیده از چپ به راست) و ترکیبات آن‌ها هم چون قلم نازک ایرانیک و قلم سیاه ایتالیک. مثلاً کلمه «هواز» به صورت نازک و ایرانیک و کلمه «آبادان» به صورت سیاه و

تلر با تمسخر می‌گوید: «آپی، من نصف این کشور را با ترن طی نکردم به خاطر این برگه مسخره دم درب گیر کنم.» مأمور اف. بی. آی لیخندی به لب دارد. دوباره بر جای خود قرار می‌گیرد. کلاهش را تا پائین چشمه‌هایش پائین می‌کشد و مشغول چرت زدن می‌شود.

تلر به اتاق وارد می‌شود. هانش بیته دم درب ایستاده. تلر فریاد می‌زند: «هانس بیته.» ناگهان نگاه تلر به بلاخ می‌افتد. فریاد می‌زند: «حدس بزنی آخرین بار کی هم رو دیدیم؟» بلاخ: «بالتیمر، ۱۹۳۸»

آپی به رابرت سربر اشاره می‌کند و می‌گوید: «باب سربر». تلر: «سلام باب، من با کارهات آشنا هستم.» تلر با امیل کونویینسکی احوال پرس می‌کند.

فریاد می‌زند: «آپی، چه گروه تحقیقی دوست داشتی. من کلی چیز با خودم آوردم.» آپی می‌گوید: «ادوارد، ممنون، اما ما صورت جلسه خودمون را داریم.» تلر با دلخوری پشت صندلی خود می‌نشیند. منتظر نوبت می‌ماند. شکافت هسته‌ای در دستور جلسه است. قرار است در باب اندازه، قدرت، شکل، وزن و مکانسیم کار بمب شکافتی بحث شود.

ثانیه‌ها می‌گذرند. نوبت به تلر می‌رسد. تلر ۲ ساعت تمام پای تخته ایستاده. با حرارت بحث «بیچ بامب» (سوپر) را ادامه می‌دهد. تمام تخته را واکنش‌های دوتریم، تریتم و ئیدروژن گرفته است. بیته سرش را با دو دستش گرفته است. بلاخ با علاقه به معادلات تلر نگاه می‌کند. آپی مشغول پیپ کشیدن است. سربر با ناراحتی به آپی نگاه می‌کند. اینها می‌گویند: «انرژی اولیه این واکنش‌ها را از کجا می‌آوری؟»

تلر: «ما تازه اول راه هستیم. تمام مسائل تئوریک به زودی حل خواهند شد.» بیته فریاد می‌کشد: «ادوارد...»

اینها می‌گویند: «ما تازه اول راه هستیم. تمام مسائل تئوریک به زودی حل خواهند شد.» بیته فریاد می‌کشد: «ادوارد...»

اینها می‌گویند: «ما تازه اول راه هستیم. تمام مسائل تئوریک به زودی حل خواهند شد.» بیته فریاد می‌کشد: «ادوارد...»

اینها می‌گویند: «ما تازه اول راه هستیم. تمام مسائل تئوریک به زودی حل خواهند شد.» بیته فریاد می‌کشد: «ادوارد...»

اینها می‌گویند: «ما تازه اول راه هستیم. تمام مسائل تئوریک به زودی حل خواهند شد.» بیته فریاد می‌کشد: «ادوارد...»

اینها می‌گویند: «ما تازه اول راه هستیم. تمام مسائل تئوریک به زودی حل خواهند شد.» بیته فریاد می‌کشد: «ادوارد...»

اینها می‌گویند: «ما تازه اول راه هستیم. تمام مسائل تئوریک به زودی حل خواهند شد.» بیته فریاد می‌کشد: «ادوارد...»



J. R. Oppenheimer

گوشته‌هایی از تاریخ

قسمت اول (یک جلسه در برکلی)

Berkeley
UNIVERSITY OF CALIFORNIA

تابستان ۱۹۴۲ دانشگاه کالیفرنیا در برکلی. رابرت سربر، امیل کونویینسکی، فلیکس بلاخ و هانس بیته دورتا دور یک میز نشستند. «آپی» در بالای میز نشسته است. سربر مشغول کشیدن سیگار است. آپی پوشه‌ای در جلوی خود دارد. بیرون درب اتاق یک مأمور اف. بی. آی در حال چرت زدن است. ورود بدون اجازه به این اتاق ممنوع است. آپی پوشه را باز می‌کند. عکس‌هایی از اثرات انفجار چند تن تی. ان تی در هلیفاکس را با احتیاط از پوشه خارج می‌کند. بیته عکس‌ها را در دست دارد. به آنها نگاه می‌کند و دست به دست عکس‌ها می‌چرخد. پشت درب اتاق صدای بگومگوی فردی با لهجه اروپای شرقی با مأمور اف. بی. آی به گوش می‌رسد. بلاخ سرش را از روی عکس‌ها بلند می‌کند. با خنده می‌گوید: «ادوارد تلر.» آپی متوجه صدای بگومگو شده است درب را باز می‌کند. تلر با لهجه غلیظ خود مأمور را به تمسخر می‌گیرد. آپی دست در کیف خود می‌کند. یک برگ قرمز رنگ از آن بیرون می‌کشد. روی برگه درج شده «جواز برائت جولیوس. رابرت. اینها می‌گویند: «فوق سری.»

انار

در ۱۰۰ گرم دانه انار مواد زیر موجود است

انرژی	۳۸ کالری
آب	۸۲ گرم
پروتئین	۰.۴ گرم
چربی	۰.۱۲ گرم
مواد نشاسته‌ای	۱۰ گرم
کلسیم	۴ گرم
سدیم	۳ میلی‌گرم
پتاسیم	۲۶۰ میلی‌گرم
آهن	۰.۵ میلی‌گرم
ویتامین ب ۱	۰.۱۳ میلی‌گرم
ویتامین ب ۲	۰.۰۳ میلی‌گرم
ویتامین ب ۳	۰.۱۲ میلی‌گرم
ویتامین ث	۴ میلی‌گرم

این درخت قابض تر است. برای مصارف دارویی از گل، برگ، پوست درخت، پوست ریشه و دانه انار استفاده می‌شود.

۱. انار شیرین ادرار آور است.
۲. انار با دانه ملین مزاج است.
۳. آب انار شیرین برای بیماری‌های مجاری ادرار مفید است.
۴. ترشح صفرا را زیاد می‌کند.
۵. آب انار اسهال را برطرف می‌کند.
۶. اگر انار را با عسل مخلوط کرده و هر روز چند قطره در بینی بچکانید از رشد پولیپ در بینی جلوگیری می‌کنید.
۷. خون‌ساز است.
۸. خون را تصفیه می‌کند.
۱۰. برای سالمندان بهترین دارو برای تقویت کلیه است.
۱۱. آب انار خنک‌کننده است.
۱۲. رنگ صورت را شاداب می‌کند.
۱۳. صدا را باز کرده و گرفتگی صدا را برطرف می‌کند.
۱۴. برای وزن اضافه کردن انار بخورید.
۱۵. آب انار مقوی قلب و معده است.

خواص قسمت‌های دیگر درخت انار

۱. جوشانده پوست ریشه درخت انار کرم معده و روده را از بین می‌برد.
۲. جوشانده پوست درخت انار نیز اثر ضد کرم درد.
۳. برای برطرف کردن گلو درد و زخم گلو از جوشانده پوست انار و یا جوشانده برگ‌های انار استفاده کنند.
۴. خانم‌هایی که عادت ماهیانه‌شان منظم نیست می‌توانند از جوشانده برگ‌های انار استفاده کنند.
۵. برگ‌های له شده انار را اگر روی پوست بگذارید خارش را از بین می‌برد.
۶. برای برطرف کردن سوختگی پوست، گل‌های انار را له کرده و با روغن کنجد مخلوط کنید و این پماد را روی قسمت سوختگی بمالید.
۷. جوشانده پوست درخت و پوست ریشه درخت انار کرم کش است.
۸. دم کرده گل انار اسهال مزمن را برطرف می‌کند.
۹. دم کرده گل‌های انار را بصورت غرغره برای از بین بردن زخم‌های دهان بکار ببرید.
۱۰. برای برطرف کردن دندان درد، دم کرده ریشه درخت انار را در دهان مژه مژه کنید.
۱۱. انار ترش و شیرین (میخوش) ادرار را زیاد می‌کند.
۱۲. برای برطرف کردن بواسیر باید معقد را با جوشانده پوست انار شستشو داد.

مضرات

کسانیکه سرد مزاج هستند نباید در خوردن انار افراط کنند. زیرا معده را سست کرده و ایجاد نفخ می‌کند. اینگونه افراد باید انار را با زنجبیل بخورند. جوشانده پوست درخت و پوست ریشه آن که برای رفع کرم بکار می‌رود ممکن است ایجاد سرگیجه و استفراغ کند. بهر حال در خوردن جوشانده آن باید احتیاط کرد و این کار باید تحت نظر متخصص انجام گیرد.

انسان همیشه منتظر معجزه‌ای از پروردگارش بوده، غافل از این که قرآن سراسر معجزه است. خداوند متعال در هر فصلی میوه‌های متناسب با آن فصل را آفرید تا آدمی بر اساس نیازهای جسمی خود از آن میوه‌ها استفاده کند. محققان طب قرآنی بر این عقیده‌اند که انار به عنوان یک میوه بهشتی از این جهت در فصل پاییز به بار می‌نشیند که فصل پاییز فصل خزان درختان و گرفتگی آسمان است و برای جلوگیری از افسردگی و نگرانی دانه‌های انار بسیار مفید بوده و موجب شادابی می‌شوند.

انار یکی از میوه‌هایی است که از قدیم وجود داشته است حتی در کتب مقدس چندین بار نام آن ذکر شده است. هومر شاعر معروف یونان در کتاب خود (اودیسه) از آن نام برده است. معروف است که حضرت سلیمان باغ بزرگی پر از درخت‌های انار داشته که به آن عشق می‌ورزیده است.

درخت انار بومی ایران و مناطق مجاور آن است. کلمه انگلیسی Pomegranate از زبان یونانی مشتق شده که به معنی (سیب با هسته‌های زیاد) می‌باشد. انار درخت کوچکی است که ارتفاع آن تا ۶ متر می‌رسد و در مناطق نیمه گرمسیری می‌روید. شاخه‌های آن کمی تیغدار و برگ‌های آن متقابل، شفاف و ساده است.

گل‌های انار درشت برنگ قرمز اناری ولی بی بو می‌باشد. میوه آن کروی با اندازه‌های مختلف دارای پوستی قرمز رنگ و یا زرد رنگ است. و در کل حدود بیست نوع مختلف انار در دنیا موجود است.

ترکیبات شیمیایی

قسمت‌های مختلف درخت انار مخصوصاً پوست ریشه و ساقه انار دارای در حدود ۲۰ درصد تانن و اسید پونی کوتانیک Punicotanic acid می‌باشد. پوست درخت انار دارای الکلوتیدی بنام پله تیه رتین Pelletierin است. یک عدد انار ۴۰ درصد نیاز روزانه شخص به ویتامین C را تامین می‌کند. همچنین انار منبعی غنی از اسید فولیک و آنتی‌اکسیدان است. آب انار برای پیشگیری از سرطان مفید است، سلامت قلب را بهبود می‌بخشد و حتی می‌تواند توان جنسی را تقویت کند.

متخصصان تغذیه تاکید کرده‌اند که آب انار همچنین می‌تواند چربی‌های اطراف معده و شکم را در زنان و مردان چاق کاهش دهد.

این متخصصان در یک آزمایش یک ماهه ثابت کردند، میزان تشکیل سلول‌های چربی در اطراف شکم در افرادی که آب انار مصرف می‌کنند، کاهش می‌یابد. کسانی که آب انار می‌نوشند، فشار خونسشان پایین می‌آید و بنابراین خطر بروز حملات قلبی و سکتة مغزی و بیماری کلیوی در این اشخاص نیز به میزان قابل توجهی کاهش پیدا می‌کند. پزشکان معتقدند که آب انار می‌تواند مقدار اسید چرب موجود در خون موسوم به اسید چرب را کاهش دهد. آزمایشات قبلی که روی انسان و حیوانات انجام گرفته، نشان داده است که مقدار زیادی از این اسید چرب، ذخیره چربی را در اطراف شکم افزایش می‌دهد و در نتیجه سبب تشدید احتمال ابتلا به بیماری قلبی و دیابت نوع دوم می‌شود.

خواص داروئی انار

از نظر طب قدیم ایران، انار سرد و قابض است. آب انار سرد و پوست‌های سرد و خشک و بسیار قابض می‌باشد. پوست ریشه درخت انار از بقیه قسمت‌های



○ کمردرد چیست؟

کمردرد عارضه شایعی است که همه با آن آشنائی دارند. کمردرد ممکن است بصورت درد مبهم و خفیف و دائمی بوده و یا درد شدید و ناگهانی باشد بطوری که توانائی ایستادن و حرکت را هم از بین ببرد. کمردرد ممکن است بطور ناگهانی بعد از یک تصادف، افتادن به زمین و یا بلند کردن اجسام سنگین بوجود آید و یا به تدریج بر اثر تغییرات ستون فقرات ناشی از افزایش سن بروز کند. اگر کمردرد بطور ناگهانی شروع شود کمردرد حاد نامیده می‌شود مانند دردهائی که بعد از افتادن از بلندی یا برداشتن یک جسم سنگین و یا وارد شدن ضربه به کمر پیدا می‌شود. کمردرد حاد به سرعت ایجاد شده و به سرعت هم برطرف می‌شود. دوره درد در کمردرد حاد کمتر از ۶ هفته است. کمردردهای حاد شایعترین نوع کمردردها هستند. از طرف دیگر کمردرد مزمن دردی است که ممکن است به سرعت و یا بتدریج ایجاد شود و برای مدت طولانی باقی بماند. بطور کلی اگر کمردرد بیشتر از ۳ ماه طول بکشد کمردرد مزمن نامیده می‌شود. کمردردهای مزمن کمتر از کمردردهای حاد شایع هستند.

تقریباً همه افراد در دوره‌ای از زندگی خود مبتلا به کمردرد می‌شوند. اگر تاکنون هم کمردرد را تجربه نکرده‌اید احتمال این که روزی دچار کمردرد شوید زیاد است. بسیاری از کمردردها را می‌توان پیشگیری کرد و یا بروز آن‌ها را کم کرد. در بیشتر موارد حتی با درمان‌های ساده خانگی نیز کمردردهای حاد در ظرف چند هفته برطرف می‌شوند. کمردردهائی که بعلت بیماری‌ها بوجود می‌آیند احتیاج به درمان مخصوص آن بیماری را دارند. عمل جراحی برای درمان کمردرد، بندرت مورد نیاز واقع می‌شود.

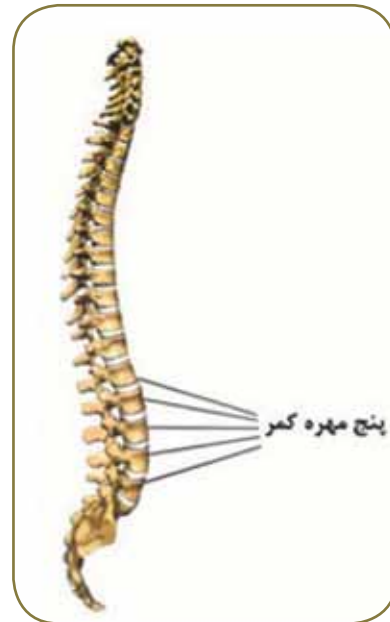
○ جلوگیری از کمردرد

بسته به اینکه علت کمردرد چیست و چه مدت طول کشیده است درمان آن متفاوت است. کمردرد بندرت نیاز به جراحی دارد حتی اگر علت آن هرنی دیسک باشد. اگر یکبار کمردرد گرفته‌اید احتمال آن هست که باز هم بگیرید. پس گرچه درمان کمردرد مهم است ولی مهم‌تر از آن مدیریت Management آن است. باید یاد بگیرید چگونه مانع از بروز مجدد کمردرد شوید. مهم‌ترین روش‌های جلوگیری از بروز کمردرد اینست که عضلات کمر و شکم خود را قوی نگه دارید، خوب بایستید، یاد بگیرید که چگونه زندگی کنید و چگونه استرس را مهار کنید.

کمردرد نمی‌گشود، شکستنه می‌کند



تصویر مقابل ستون فقرات را در حالت ایستاده نشان می‌دهد که شبیه حرف S در انگلیسی می‌باشد.
۵ مهره کمر بزرگترین و قویترین مهره‌ها در ستون فقرات هستند که وزن کل جثه را تحمل می‌کنند.
توجه داشته باشید کمترین فشار به دیسک‌ها و مهره‌های کمر وقتی وارد می‌شود که ستون فقرات در شکل S مانند خود باشد به طوری که ستون فقرات در ناحیه کمر گود و دارای تو رفتگی است.

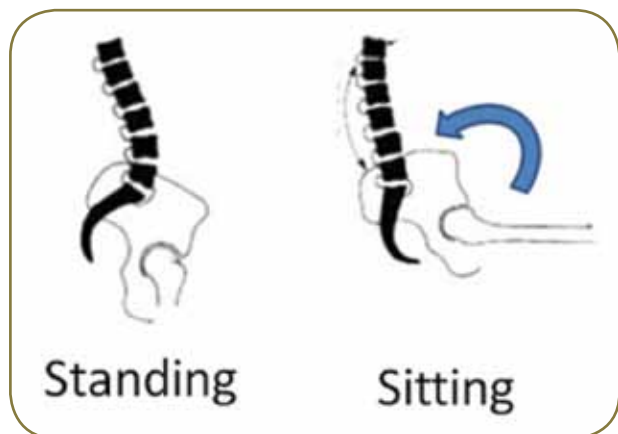
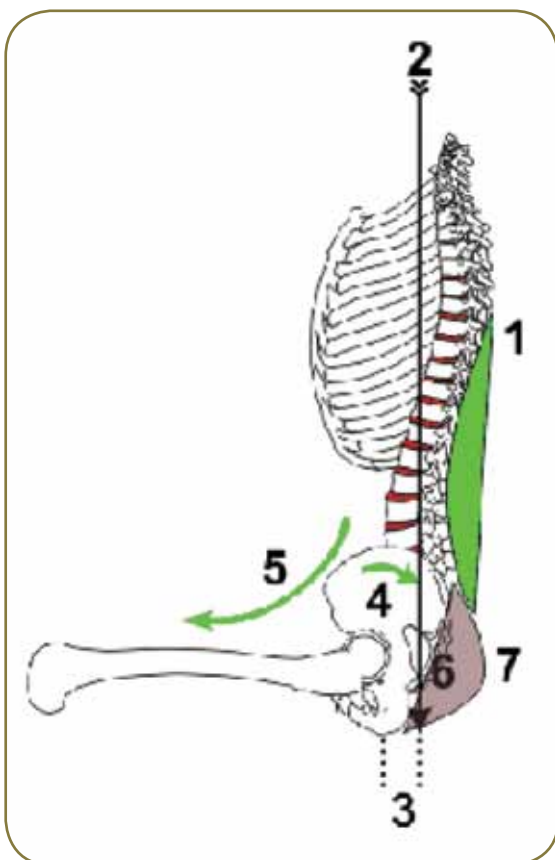


آسیب به ساختار استخوانی در ناحیه کمر می‌تواند به دردهای شکنجه‌آور پیانجامد. اگر آسیب به این ناحیه زیاد باشد حتی ممکن است راه رفتن را مشکل سازد و به معلولیت بیانجامد. استفاده از پشتی طبی در افرادی که سوزش‌های دردناکی در ناحیه کمر خود حس می‌کنند ضروری است چرا که استفاده از آن می‌تواند تاثیر زیادی روی کیفیت زندگی در آینده بگذارد.

● استفاده از پشتی طبی در جلوگیری از کمر درد

پشتی طبی وسیله‌ای ارگونومیک جهت حمایت از ستون فقرات کمری در هنگام نشستن می‌باشد که بر روی صندلی نصب می‌شود.
در طولانی مدت همانطور که بدن خسته می‌گردد، ماهیچه‌های در برگیرنده ستون فقرات ضعیف می‌شوند و بخش بالایی کمر و سر برای جبران ضعف ماهیچه‌های ستون فقرات کمری به جلو انحنا می‌یابند که نهایتاً به قوز کردن و خمیده شدن به جلو می‌انجامد.

وقتی که از حالت ایستاده به حالت نشسته تغییر وضعیت می‌دهیم لگن به عقب چرخیده، گودی کمر صاف شده و ستون فقرات از شکل S مانند خود خارج می‌گردد.
در این حالت فشار نابرابری بر دیسک‌های بین مهره‌ای وارد می‌شود که نهایتاً به ناهنجاری‌های عمده‌ای در ستون فقرات از جمله کمردرد، دیسک کمر، قوزپشتی و فتق دیسک کمر می‌انجامد.



برای جلوگیری از این بیماری‌ها باید درست بنشینیم و از یک پشتی طبی استفاده کنیم. با قرار دادن یک پشتی طبی مناسب روی صندلی اداری یا خودرو می‌توانید فرم S مانند ستون فقرات خود را حفظ کنید و از صاف شدن گودی کمر و نهایتاً کمردرد جلوگیری کنید. در واقع یک پشتی طبی مطلوب باید به اندازه‌ای سفت باشد که مانع از صاف شدن گودی کمر گردد و در همین حال کاربر با آن احساس آرامش نماید.

منابع آینده انرژی



گرانشی قوی باعث می‌شوند ایزوتوپهای هسته‌های سبکتر با هم ترکیب شوند و هسته سنگین‌تر و مقداری بسیار بالایی انرژی حاصل شود. یکی از مهمترین چالش‌های کنونی بشر شبیه سازی این فرایند در روی کره زمین و تامین انرژی کره زمین از این طریق و جلوگیری از بحران انرژی جهان است. از مزایای همجوشی هسته‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- منابع سوخت آن بسیار فراوان است. به عنوان مثال دوتریوم حدود ۰/۱۵۳ درصد اتمی از هیدروژن‌های آب اقیانوس‌ها را تشکیل می‌دهد.
- در هنگام وقوع حوادث احتمالی، راکتور همجوشی از کنترل خارج نمی‌شود.
- از این واکنش هلیوم بدست می‌آید که دارای کاربرد فراوان در صنعت می‌باشد.
- پسماند هسته‌ای را ندارد.
- می‌توان از انرژی تولیدی در یک راکتور همجوشی می‌توان گفت اگر یک لیتر از آب دریا را که دارای مقدار کافی دوترون است معادل ۳۰۰ لیتر گازوئیل انرژی بدون آلودگی تولید می‌کند.

در این روش باید شرایط مشابه با سطح خورشید جهت شروع فرایند همجوشی آغاز شود و این دما بسیار بالا و برابر با ۱۵ میلیون درجه سانتی گراد می‌باشد. یکی از بهترین راههای دستیابی به این دما استفاده از لیزرهای پرشدت و مکانیسم شتاب دهی ذرات می‌باشد در این شیوه با تابش لیزرهای پرشدت بر مواد و ایجاد پلاسما، بلوک‌های الکترون و پروتون پر انرژی و سریع ایجاد می‌شود. ذرات پر انرژی با انتقال انرژی به سوخت دمای لازم جهت آغاز همجوشی را فراهم می‌سازند.

تلاش برای دستیابی به منابع جدید تولید انرژی به یک حرکت جهانی تبدیل شده است. در این میان ایده‌های عجیب زیادی نیز مطرح می‌شوند که شاید هیچ‌گاه به واقعیت نپیوندند، اما اگر هر یک از آنها درست از آب در آیند به جرأت می‌توان گفت امنیت تولید انرژی تا حد چشمگیری بهبود پیدا می‌کند.

اگر سری به آزمایشگاه‌های پیشرفته سراسر جهان بزنیم شمار زیادی از دانشمندان را می‌بینیم که روی این مقوله کار می‌کنند. تلاش آنها از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است و استقبال خوبی در محافل علمی سراسر جهان از آنها می‌شود. با این حال تاکنون اتفاق چندان خبرسازی روی نداده است. آنچه در این میان از اهمیت خاصی برخوردار است لزوم ارائه ابتکار عمل‌ها و خلاقیت‌هایی است که بازی پر فراز و نشیب تولید انرژی به روش‌های نو را به سرانجامی مناسب برسانند. برخی از این ایده‌ها در نوع خود بسیار خیال‌پردازانه و دور از دسترس به نظر می‌رسند.

ماهواره‌هایی که پرتوهای خورشیدی را به سمت زمین منعکس می‌کنند یا توربین‌های بادی معلق در آسمان که در ارتفاع زیادی از سطح زمین پرواز می‌کنند، به گردش در می‌آیند و الکتریسیته تولید می‌کنند از جمله این ایده‌های رویایی به شمار می‌آیند.

تولید برق از همجوشی هسته‌ای

انرژی گرمایی که هر روزه زمین و منظومه شمسی را گرم می‌کند، ناشی از واکنش‌های همجوشی در خورشید و ستارگان دیگر، نیروهای

آب سنگین

آب سنگین آبی است که نسبت ایزوتوپ دوتریوم در آن از حد آب معمولی بیشتر است. در آب سنگین (با فرمول D_2O) بر خلاف آب معمولی (با فرمول H_2O) به جای هیدروژن ایزوتوپ هیدروژن دوتریم (با فرمول اتمی H_2 با اکسیژن ترکیب شده است. با کمک این نوع از آب می‌توان پلوتونیوم لازم برای سلاح‌های اتمی را بدون نیاز به غنی‌سازی بالای اورانیوم تهیه کرد. از کاربردهای دیگر این آب می‌توان به استفاده از آن در رآکتورهای هسته‌ای با سوخت اورانیوم، به عنوان مهارگر (Moderator) به جای گرافیت و نیز عامل انتقال گرمی رآکتور نام برد. آب سنگین واژه‌ای است که معمولاً به اکسید هیدروژن سنگین، اطلاق می‌شود. هیدروژن سنگین یا دوتریوم (Deuterium) ایزوتوپی پایدار از هیدروژن است که به نسبت یک به ۶۴۰۰ از اتم‌های هیدروژن در طبیعت وجود دارد. خواص فیزیکی و شیمیایی آن به نوعی مشابه با آب سبک است.



BIOTECHNOLOGY



زیست‌فناوری

است از دانشی که کاربرد یکپارچه زیست‌شیمی، میکروبی‌شناسی و فناوری‌های تولید را در سامانه‌های زیستی به دلیل استفاده‌ای که در سرشت بین‌رشته‌ای علوم دارند مطالعه می‌کنند. در تعریف دیگر بیوتکنولوژی را چنین تشریح کرده‌اند: فوننی که از موجودات زنده برای ساخت یا تغییر محصولات، ارتقا کیفی گیاهان یا حیوانات و تغییر صفات میکروارگانیسم‌ها برای کاربردهای ویژه استفاده می‌کند. بیوتکنولوژی به لحاظ ویژگی‌های ذاتی خود دانشی بین رشته‌ای است. کاربرد این گونه دانش‌ها در مواردی است که ترکیب ایده‌های حاصل در طی همکاری چند رشته به تبلور قلمرویی با نظام جدید می‌انجامد و زمینه‌ها و روش‌شناسی خاص خود را دارد و در نهایت حاصل برهم‌کنش بخش‌های گوناگون زیست‌شناسی و مهندسی است. زیست‌فناوری در اصل هسته‌ای مرکزی و دارای دو جزء است: یک جزء آن در پی دستیابی به بهترین کاتالیزور برای یک فرایند یا عملکرد ویژه است و جزء دیگر سامانه یا واکنشگری است که کاتالیزورها در آن عمل می‌کنند.

واژه زیست‌فناوری یا بیوتکنولوژی نخستین بار در سال ۱۹۱۹ از سوی کارل ارکی (Karl Ereky) به مفهوم کاربرد دانش‌های پزشکی و زیستی و اثر مقابل آن در فناوری‌های ساخت بشر به کار برده شد. به طور کلی هر گونه کنش هوشمندانه بشر در آفرینش، بهبود و عرضه فرآورده‌های گوناگون با استفاده از جانداران، به ویژه از طریق دستکاری آن‌ها در سطح مولکولی در حیطه این مهم‌ترین، پاک‌ترین و اقتصادی‌ترین فناوری سده حاضر، زیست‌فناوری، قرار می‌گیرد. نام این دانش از این رو در ایران با نام «بیوتکنولوژی» شناخته می‌شود که این نامگذاری در تقریباً تمام کشورهای جهان با همین نام شناخته می‌شود. زیست‌فناوری از جمله واژه‌های پر سرو صدای سال‌های اخیر است. این واژه را درست یا نادرست به مفهوم همه چیز برای مردم به کار می‌برند. بیوتکنولوژی را در یک تعریف کلی به کارگیری اندامگان یا ارگانیسم یا فرایندهای زیستی در صنایع تولیدی یا خدماتی دانسته‌اند. تعریف ساده این پدیده نوین عبارت



آخرین جملات

یک قهرمان
کمک نمی‌خوام، همه اش سه نفرند...

یک کارآگاه خصوصی
قضیه روشنه، قاتل شما هستید!

یک گروگان
من که میدونم تو عرضه شلیک کردن
نداری...

یک متخصص آزمایشگاه
این آزمایش کاملاً بی‌خطره...

یک متخصص خنثی کردن بمب
این سیم آخری رو که قطع کنم تمومه...

یک معلم رانندگی
نگه دار! چراغ قرمز!

یک ملوان
من چه می‌دونستم که باید شنا بلد
باشم؟

یک ملوان زیردریایی
من عادت ندارم با پنجره بسته
بخوابم...

یک سرباز تحت آموزش هنگام پرتاب
نارنجک
گفتی تا چند بشمرم؟

یک خلبان
ببینم چرخ‌ها باز شدن یا نه؟

یک خون‌آشام
نه بابا خورشید یه ساعت دیگه طلوع می
کنه!

یک داور فوتبال
نخبر افساید نبود!

یک دربان
مگه از روی نعل من رد بشی...

یک دوچرخه سوار
نخبر تقدم با منه!

یک دیوانه
من یه پرنده‌ام!

یک شکارچی
مامانت کجاست کوچولو؟...

یک غواص
نه این طرف‌ها کوسه وجود نداره...

یک فضانورد
برای یک ربع دیگه هوا دارم...

یک قصاب
اون چاقو بزرگه رو بنداز ببینم...

یک برق‌کار
خوب حالا روشنش کن...

یک انسان عصر حجر
فکر میکنی توی این غار چیه؟

یک بندباز
نمیدونم چرا چشمام سیاهی میره...

یک بیمار
مطمئنید که این آمپول بی‌خطره؟

یک پزشک
راستش تشخیص اولیه‌ام صحیح نبود.
بیماریتون لاعلاجیه...

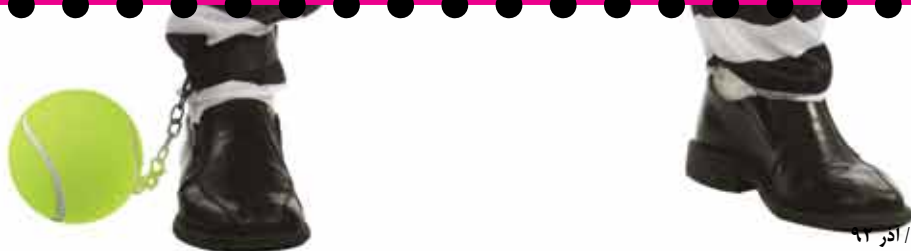
یک پلیس
شیش بار شلیک کرده، دیگه گلوله
نداره...

یک جالاد
ای بابا، باز تیغه گیوتین گیر کرد...

یک جهانگرد در آمازون
این نوع مار رو می‌شناسم،
سمی نیست...

یک چترباز
پس چترم کو؟

یک خبرنگار
بله، سیل داره به طرفمون میاد...





بهاائیت

نویسنده / س. ح. م. لردگانی • شمارگان / ۳۰۰۰ نسخه • انتشارات / چاپ و نشر بین الملل

از اختلاف، را از نظر می‌گذرانیم. عقیده بایمان و بهائیان درباره توحید، عقیده با بیان و بهائیان درباره نبوت، ادعای نبوت در آیین باب و بهاء، برخی احکام بابت و بهائیت و روسیه، بهائیت و انگلیس، بهائیت و آمریکا، بهائیت و اسرائیل، مدارک ارتباط بهائیت با اسرائیل در زمان شوقی افندی، علل حمایت شوقی افندی از تشکیل رژیم صهیونیستی و علل حمایت اسرائیل از بهائیت سخن به میان آمده است.

عناوین فصل چهارم نیز به شرح ذیل است

جایگاه تبلیغ در بهائیت، اصول و شیوه‌های تبلیغ در بهائیت، تبلیغ فردی، تبلیغ گروهی، برخی از شیوه‌های تبلیغی بهائیان، ابزارهای تبلیغی بهائیت. سومین جلد از مجموعه بیراهه در خصوص پرسش و پاسخ‌های دانش آموزی پیرامون بهائیت با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و از سوی انتشارات چاپ و نشر بین الملل منتشر شد.

«بر انسان‌های آگاه و بصیر پوشیده نیست که دولت‌های استعمارگر برای حفظ و نگهداری قدرت و حکومت خود در میان سایر ملت‌ها پیوسته به انواع فتنه‌ها و دسیسه‌های خائنه توسل می‌جویند تا ملت‌های آزادی‌خواه و بزرگ را به کلی از هستی و شخصیت ساقط کنند و روحیه‌ی استقلال‌طلبی را در آنها ضعیف نمایند و نسل جوان و نوجوان را دچار انحرافات فکری و عقیدتی نمایند.» این کتاب نیز کوشش بر آگاهی بخشی به نوجوانان و جوانان در ارتباط با انحرافات فکری و عقیدتی با محوریت بهائیت را دارد.

کتاب «بهائیت» در چهار فصل به ترتیب با عناوین پیشینه بهائیت، عقاید بهائیت، رابطه بهائیت با استعمار، تبلیغ و شیوه‌های تبلیغی بهائیت تدوین شده است. در فصل اول پیرامون پیشینه بهائیت موضوعاتی همچون، پیدایش بابیه، سرگذشت سیدعلی محمد باب پس از دعوی بابت، ماجرای مسجد و کیل شیراز، ماجرای توبه مجدد باب، تاریخچه فرقه بهائیت، زندگی حسنعلی نوری، گرایش حسنعلی نوری به باب، اختلاف بر سر جانشینی باب، مرگ بهاء ا. و تشدید اختلافات و اختلاف بعد

نگارنده پایان کتاب خود را به شکل زیبایی به شعری از عبدالحسین ارزی بغدادی که با الهام از کرامت و ظلم ستیزی امام حسین (ع) سروده شده است مزین می‌کند.

نکته‌ی قابل ذکر آنکه مهم ترین بخش کتاب با عنوان تکرار امام حسین (ع) در شیعیان در برگیرنده‌ی نکات قابل تأمل فراوانی است در این بخش می‌خوانیم: حسین (ع) جز در نواده‌ی معصوم و مطهرش امام مهدی (عج) تکرار نمی‌شود و منظور ما از تکرار شدن آن حضرت در شیعیان فراخوانی است به الگوپذیری و اقتدا به پاره‌ای از اعمال و خصلت‌های زیبا و صفات حسنه‌ی آن بزرگوار و آن امری ممکن و تحقق پذیر است. زیرا خود او از ما خواسته است که وجود خویش را به اخلاق جمیل وی بیاراییم و از صفات دشمنان او دوری کنیم. و به اعتقاد ما هر انسانی که این گونه از امام حسین (ع) پیروی کند از شیعیان او خواهد بود و شیعه‌ی راستین چنین کسی است نه هر فردی که مدعی شیعه بودن باشد یا مردم او را به این نام بشناسند.

باید توجه داشت که وقتی امام حسین (ع) تکرار می‌شود که ما مرامنامه و رساله او را به طور کامل و جامع بخوانیم، به شعایی که آگاهی و بصیرت ما را در ارتباط با اما (ع) مانند عاشورا زیاد می‌کند عمل کنیم.

رویداد کربلا و تاریخ دقیق آن را مطالعه کرده و نسل به نسل در انتقال این مفاهیم کوشش کنیم و بدانیم پیروی ما از امام حسین (ع) باید همه جوانب رویداد اخلاقی حادثه کربلا را شامل شود، زیرا آن حضرت در گفتار و رفتار و موضع گیری‌های حکیمانه‌ای که در روز عاشورا داشتند همه‌ی ابعاد عقیدتی، اخلاقی، انسانی و خانوادگی مورد نظر شرع مقدس را رعایت فرمودند. پس حسین (ع) عنوان و سرفصل همه‌ی واجبات و مستحبات و کارهای زیبا و ارزشمند است و وظیفه‌ی ما آن است که به میزان توانایی و امکاناتمان پادر جای پای آن حضرت بگذاریم تا ما را به عنوان شیعه‌ی خویش بپذیرد و در ادعایمان صادق باشیم.

امام حسین (ع) به واقع مظهر بزرگواری و اخلاق والا و نمونه‌ی عالی انسانیت بوده و کسی است که از منش و روش آن بزرگوار می‌توان درس‌هایی بسیار آموخت. مورخان نامدار اسلام چون طبری، ابن اثیر، ابن خلدون، ابن عساکر، و... و حتی اندیشمندانی غیرمسلمان همواره سعی کرده اند تا زندگی این بزرگوار را به رشته‌ی تحریر درآورند. این نویسندگان هرگاه در خصوص امام حسین (ع) قلم به دست گرفته‌اند تا چیزی بنگارند در سطر سطر نوشته‌ی خود، ایشان راستوده‌اند و مودت خویش را نثار جان فشانی‌های حضرت در طول دوران حیات پربرکتشان کرده‌اند.

کتاب آموزه‌هایی از اخلاق امام حسین (ع) به قلم عبدالعظیم مهتدی بحرانی با ترجمه غلام حسن انصاری از این دست نوشته‌ها می‌باشد. این کتاب که از سوی انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل منتشر گشته است سعی دارد تا مطالبی را پیرامون زندگی امام حسین (ع) در اختیار خوانندگان قرار دهد.

مؤلف کتاب حاضر، همان گونه که ذکر گردید عبد‌الظیم مهتدی است کسی که از سن ۱۳سالگی به فراگیری علوم دینی و حوزوی همت گمارده و دارای تالیفات متعدد چون الحسین مدرس‌الاجیال، حقائق للتامل، رساله‌ التالف، والاخوه و... می‌باشد. کتاب حاضر وی نیز از جمله تالیفات مهم او به شمار می‌آید و شامل دو فصل مجزا می‌باشد در فصل اول نویسنده سعی کرده است با طرح موضوعاتی چون حسین (ع) الگویی گرانقدر، هماهنگی فطرت و نبوت، حسین کشتی نجات و رستگاری، و... بین تربیت ویژه‌ی امام حسین (ع) و پیامبر (ص) ارتباط بیابد و سجایای اخلاقی حضرت را به طور موشکافانه مورد بررسی قرار دهد. نویسنده سعی دارد به این سوال پاسخ دهد که آیا حرکت امام (ع) حرکتی سیاسی است و یا حرکتی اخلاقی؟ که نتیجه‌ای که نهایتاً اتخاذ می‌شود چنین است: «حرکت امام حسین (ع) در درجه‌ی اول حرکتی اخلاقی بوده و سپس می‌توان آن را حرکتی سیاسی دانست حرکت ایشان در واقع برای تغییر نظام اخلاقی فاسدی که در جامعه‌ی آن دوران وجود داشت شکل می‌گیرد.»

فصل دوم کتاب که قسمت مهم کتاب است و نام کتاب از همین قسمت گرفته شده است شامل نکاتی بی‌بدیل از زندگی امام حسین (ع) چون سخاوت و عزت نفس آن حضرت، غیرت و جوانمردی، وفاداری و... می‌باشد که با ذکر حکایات و مصادیقی برای خواننده روشن تر می‌گردد. سپس نویسنده به سه واقعه‌ی مهم که پیروزی اخلاقی امام حسین (ع) را به طور حتمی و قطعی نشان می‌دهد اشاره می‌کند. نخست سخنرانی زینب (س) در دربار یزید، دوم سخنرانی امام سجاد (ع) در مسجد دمشق و در آخر ستایش امام سجاد (ع) توسط شاعری چون فرزدق.

آموزه‌هایی از اخلاق امام حسین علیه السلام

تألیف ■ عبدالعظیم مهتدی بحرانی

ترجمه ■ غلام حسن انصاری

ناشر ■ شرکت چاپ و نشر بین الملل

نوبت چاپ ■ دوم زمستان ۱۳۸۹

شمارگان ■ ۳۰۰۰ نسخه

قیمت ■ ۴۸۰۰۰ ریال

آه مولا کسی نمی‌داند
سایه آفتاب را می‌نوشد
هر چه باران و رود و اقیانوس
از لبان تو آب می‌نوشد

شانه تازیانه زخمی شد
آه مولا کسی نمی‌داند
افتاب حجاز را کشتند
مردم کوفه روز عاشورا
ابروی نماز را بردند

آه مولا کسی نمی‌داند
آبها تشنه لب بودند
هر چه باران و رود اقیانوس
از لبان تو آب می‌نوشد

از نگاه تو ماه بالا رفت
آسمان سیاه را کشتی
آه مولا کسی نمی‌داند
گودی قتله گاه را کشتی

ناگهان چشم خویش را بستی
سرزمین بهشت پرپر شد
واژگون بود آسمان اما
زین اسب تو واژگون تر شد

آه مولا کسی نمی‌داند
آبها تشنه لب بودند
لشکر شام و کوفه تعدادی
از اسیران زینبت بودند

تیر از بس که تشنه بود آنروز
در گلوگاه اصغر افتاد
نعش رود فراتن خون آلود
روی دست برادرت افتاد

خسته‌ای خیس و خالی از خویشم
پیرهن زار چشم یعقوبم
آه مولا کسی نمی‌داند
شاید امشب تو آمدی پیشم

آه مولا کسی نمی‌داند
تیر قلب تو را نمی‌سوزد
آتش از ترس آه سوزانت
خیمه‌های تو را نمی‌سوزد

از همان ظهر روز عاشورا
واژه‌های من از تو پر بودند
روی دفتر شهید می‌گشتند
واژه‌هایی که مثل حر بودند

ناگهان بوی خرابه ای آمد
لشکرت شبانه زخمی شد
شانه دختری که نه؛ اما



بانو <



زن کامل کیست؟

روانشناسی | سبک زندگی

اگر قصد دارید به یک زن کامل و ایده آل در زندگی تبدیل شوید حتما این مطلب را مطالعه کنید. منظور ما از کمال این نیست که به عنوان یک زن هیچ اشتباهی مرتکب نشود، بلکه با داشتن هریک خصیصه‌های زیر توانایی‌های شما به عنوان یک زن و یا مادر دو چندان خواهد بود.

□ داشتن شخصیت قوی

از قدیم الایام از زنان با عنوان جنس ضعیف نام برده می‌شود. اما میلیون‌ها زن در سراسر دنیا نشان داده‌اند که زنان موجودات ضعیفی نیستند. یکی از خصیصه‌های یک زن ایده آل و کامل این است که بر تابوی ضعیف بودن زنان چیره شود، بطوریکه در زندگی الگویی برای دیگران باشد.

□ داشتن شخصیت مثبت

منظور از مثبت بودن برای تبدیل شدن به یک زن کامل این است که خصیصی چون صداقت، امانتداری، وفاداری، فروتنی، گذشت و مهربانی در شما موجود باشد. این ترکیب اگر در وجود زنی موجود باشد او را در بدترین شرایط زندگی نیز سرپا نگاه خواهد داشت.

□ خود ساختگی

در قرن حاضر دیگر زن بودن به معنای نگهداری از فرزندان و انجام کارهای منزل نیست، حتی یک زن خانه دار نیز می‌تواند در کنار وظیفه مادری خودکفا و داری توانایی جهت استقلال مالی و عاطفی باشد.

□ غرایز مادرانه

زن به طور ذاتی یک مادر متولد می‌شود. یک زن کامل بودن نیازمند این است که در کنار تمام مشغولیات ذهنی و کاری بتوانید یک مادر باشید. مادر بودن نه به معنای داشتن فرزند بلکه به معنای حامی و نگهدار خانه و خانواده بودن است.

□ داشتن زیبایی‌های درونی

اگرچه داشتن یک چهره زیبا برای هر زنی یک حسن محسوب می‌شود، اما آنچه از زیبایی ظاهر فراتر است زیبایی‌های درونی هر زنی است. برای اینکه به زیبایی درونی برسید نیازمند یک ایمان قوی، پاکدامنی و خلوص هستید. در ابتدای راه باید نفس و غرور خود را قربانی کنید.

5

تست

چقدر زندگی را سخت می‌گیرید؟



نمره سختگیری شما چند است؟

با انجام این تست می‌توانید متوجه شوید چقدر زندگی را به کام خود و شریک زندگی تان تلخ می‌کنید.

نکته / پاسخ مثبت به هر سؤال ۵ امتیاز دارد.

همیشه بدون تعمق کافی چیزهایی می‌گویم که بعداً باعث کدورت و سوء تفاهم بین من و دیگران می‌شود.

- همیشه با نگرانی به آینده نگاه می‌کنم و انتظار پیشامدهای ناگواری را دارم.
- اکثراً در گذشته زندگی می‌کنم. خاطرات و اتفاقات گذشته را در ذهنم مرور می‌کنم و وقتی حالم را با گذشته مقایسه می‌کنم به گذشتهام حسرت می‌خورم.
- همیشه کارهای امروز را به فردا موکول می‌کنم.
- اگر کسی به من کوچک‌ترین اهانتی کند، تمام روزم خراب می‌شود.
- اگر با کسی برخورد کنم که خلق عصبی و تندى دارد به شدت تحت تاثیر او قرار می‌گیرم.
- وقتی درست به زندگی ام نگاه می‌کنم می‌بینم که همیشه تمایل داشته‌ام از کاه کوه بسازم.
- وقتی با کسی روبه رو می‌شوم که در نگاه اول به دلم نمی‌چسبد، می‌دانم که هرگز نمی‌توانم با وی رابطه‌ای داشته باشم.
- برای اینکه جلوی ناراحتی‌های بعدی را بگیرم تنهایی همه کارها را انجام می‌دهم و از کسی کمکی نمی‌خواهم.
- همیشه در درونم پراز فشار است و برای خودم ساعتی برای آرامش فراهم نمی‌کنم.
- اگر آنطور که تصور کرده‌ام در کارم موفق نشوم به شدت خود را به محاکمه می‌کشم.
- اصلاً حساب و کتاب پولم را ندارم یا آنقدر حساب و کتاب می‌کنم تا هیچ پولی را بیخودی خرج نکنم، در نتیجه این کار وقتم را می‌گیرد و برابم مشکل به وجود می‌آورد.
- وقتی می‌بینم طرف مقابلم به کاری که انجام می‌دهم توجه لازم را نمی‌کند دلم از او می‌گیرد.
- وقتی کسی از من انتقاد می‌کند یا به جانم نق می‌زند با خودم فکر می‌کنم که او

به من علاقه ندارد.

- اگر کاری را که می‌خواهم پیش نرود دنیا پیش رویم تیره و تار می‌شود.
- همیشه آدم‌ها را مقصر می‌دانم مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.
- وقتی در کاری موفقیتی به دست می‌آورم، موفقیتیم آنچنان که باید و شاید به نظرم نمی‌آید.
- فکر می‌کنم نباید به آدم‌های دیگر اعتماد کرد چراکه همه بد مرا می‌خواهند.
- هیچ وقت احتیاج به کمک دیگران نداشته‌ام و ندارم.
- رفتاری را که هر روز انجام می‌دهم دوست ندارم و اصلاً بیهوده دارم زندگی‌ام را خراب می‌کنم.

حالا امتیازهای به دست آمده را با هم جمع بزنید و تفسیر امتیاز خود را در زیر مشاهده کنید.

کمتر از ۴۰

تبریک می‌گوییم. شما زندگی را به کام خودتان تلخ نمی‌کنید و به موقع در مقابل ناکامی‌ها و شکست‌ها می‌ایستید و از آنها گذر می‌کنید. زیبایی‌های زندگی را می‌شناسید و به طرف مقابل تان هم آنها را نشان می‌دهید. می‌توانید از زندگی در کنار تمام مشکلات لذت ببرید.

بین ۴۰ تا ۵۰

لازم است تاحدی در رفتار خود تجدیدنظر کنید و جنبه‌های مثبت زندگی و اتفاقات آن را هم در نظر بگیرید تا بتوانید با دید بهتر و انرژی بیشتری زندگی خود را زیبا سازید.

بالاتر از ۵۰

باید واقعاً به فکر باشید و برای تغییر این افکار کاری کنید. در مورد عباراتی که به آنها پاسخ مثبت داده اید با دقت فکر کنید و از خود بپرسید: «چرا من اینگونه فکر می‌کنم؟» سپس برای تغییر آن برنامه ریزی کنید و با همسر یا نامزد یا بهترین دوست تان در این مورد صحبت کنید. اگر این افکار بیش از حد شما را ناراحت می‌کند، می‌توانید از متخصصان در این زمینه کمک بگیرید.



روش‌های تزئین هندوانه شب یلدا



هندوانه شاخص‌ترین میوه‌ی شب یلداست و می‌دانیم که طبق آداب و سنن قدیمیان اگر در این شب چیزهای دیگر کمتر مصرف شوند و یا اصلاً خورده نشوند، هندوانه از اقلامی است که خورده خواهد شد.

برای تزئین هندوانه می‌توانید

۱. آن را از طول زیکزاک یا دالبر و نیم دایره، نیم دایره‌ای برش داده اما نه کامل بلکه در وسط آن یک دسته‌ی زیکزاک یا دالبری نگه دارید تا به شکل سبد شود و سپس هندوانه‌های داخل آن را گرد گرد با قاشق معمولی و یا با قاشق‌های بستنی در آورده و برای اینکه همه‌ی هندوانه‌ها را گرد گرد در بیاورید از ابتدا که همه‌ی توپ‌ها را در می‌آورید در ظرفی دیگر ریخته و سپس همه را به سبد هندوانه‌ای خود وارد کنید. می‌توانید برای پذیرایی از چوب‌های کبابی کوچک که چند عدد را در توپ‌های هندوانه‌ای فرو کرده‌اید و به آن شکل زیبایی هم می‌بخشد به جای چنگال استفاده نمایید.

۲. هندوانه را از عرض و بدون دسته باز هم زیکزاک یا دالبر برش داده و این بار در ظرفی گوی شکل برش دهید و با چنگال‌های سفید کوچکی که از فروشگاه‌های لوازم شیرینی می‌توانید تهیه کنید در این هندوانه‌های گوی شکل زده و از مهمانان شب یلدایی خود پذیرایی کنید. می‌توانید برای زیباتر شدن هندوانه‌تان از ترافل که بر روی آن می‌پاشید استفاده نمایید.

۳. پوست هندوانه را تا نیمه با یک چاقوی تیز طوری بردارید که سفیدی‌های زیر پوست باقی بماند و تنها پوست سبز آن جدا شود، سپس یک گل را در نظر گرفته و با برش‌هایی بر روی پوسته‌ی سفید هندوانه آن را بوسیله‌ی چاقوی لیزری به شکل گل در بیاورید.

۴. برای ایجاد شکل متنوع و زیبا می‌توانید از قالب‌های شیرینی پزی مثل قالب قلب استفاده کنید و شکل‌های بدست آمده را در یک ظرف سفید تزئین کنید.

۵. هندوانه را از وسط نصف کرده و همراه با پوست آن، برش‌های نیم دایره‌ای هم اندازه‌ای درست کنید همانطور که همیشه برش می‌دهید با این تفاوت که همه هم اندازه و نسبتاً نازک باشند، سپس آنها را درون سینی گرد سیلور یا کریستال و بلور مانند پره‌های پنکه مشترک در نقطه‌ای در مرکز قرار دهید.

۶. هندوانه را از وسط نصف و سپس باز نیمه‌ها را از وسط دقیق نصف کنید تا چهار قسمت بزرگ مساوی داشته باشید، سپس آنها را با پوست از طول به شکل برش‌های هم اندازه‌ی مثلثی شکل در آورید و همه را در ظرف استیل ماهی شکل مانند پولک‌های ماهی پشت سر هم قرار دهید و یا در ظرفی بیضی شکل پشت هم برای پذیرایی بچینید. می‌توانید در کنار تزئینات دیگر هندوانه‌ها مقداری را برای بچه‌ها به این شکل آماده نمایید که بسیار راحت و در عین حال زیباست.



۱



۲



۳



۴



۵



۶



NASIM ◦ Student Monthly Magazine

Vol 2 . No 6 . December 2013 / Believe | Social | Cultural